

نامه مردم

از کان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۱۰ - سه شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۶۰، دوره هفتم، سال سوم، ۷ رجب ۱۴۰۱ - بها: ۱۵ ریال

اسناد جاسوسخانه آمریکا

انتظام خالصانه برای برقراری روابط دو جانبه خوبی بین ایران و آمریکا میکوشد
(از سند شماره ۳۱۵۹، ۱۱ مرداد ۱۳۵۸)
۶- تفسیر: توصیف کاردار لینکن از امیرانتظام بعنوان يك شخص با هوش و نماینده بسیار ماهر دولت انقلابی ایران در سخن گفتن کاملاً صحیح است. انتظام در حقیقت علاقه به ادامه تماس با آمریکا دارد و بنظر می‌رسد خالصانه می‌کوشد تا دوباره روابط دو جانبه خوبی را بین ایران و آمریکا برقرار کند. سفارت گفتگو با امیر انتظام را در حد امکان ادامه خواهد داد. تبادل اطلاعات با افسر «سیا» (از سند شماره ۹۰۶۲۳۹ مورخ ۱۷ مرداد ۵۸)

صدام حسین هم اعتراف کرد که اتحاد شوروی به عراق اسلحه نمیدهد

روزنامه لوموند، چاپ پاریس، به نقل از صدام حسین می‌نویسد: «عراق در جنگ با ایران به علت تحریم اقتصادی شوروی، در مضیقه تجهیزات نظامی قرار گرفته است و به همین دلیل با میانجیگری دولت‌های ثالث از مصر درخواست کمک تسلیحاتی نموده است.» (اطلاعات ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۰)
اعترافات صدام حسین یکبار دیگر دروغ بزرگ «امپریالیسم خیر» و لیبرالهای وطنی و مانوئیستیهای آمریکائی را مبنی بر «کمک تسلیحاتی اتحاد شوروی به عراق متجاوز» افشا میکند و منبع آن «سلاحهای روسی» را، که گویا از سوی اتحاد شوروی به عراق داده میشود، آشکار میسازد. (بقیه در صفحه ۴)

هشت پای آمریکا از میهن ما دست بردار نیست

صفحات ۴ و ۵

امام خمینی:

همه گروهها و احزاب، تا وقتی با کشور اسلامی جنگ ندارند، بطور آزاد عمل می‌کنند

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در روز در جمع گروهی از علمای آذربایجان سخنان مهمی ایراد کردند. امام خمینی تأکید کردند که همه گروهها و احزاب، تا وقتی با کشور اسلامی جنگ ندارند و در مقابل اسلام قیام مسلحانه نکرده‌اند، بطور آزادانه عمل می‌کنند و بطور آزاد دارند حرفهای خودشان را می‌زنند. امام خمینی در سخنان خود گفتند: «ما امروز گرفتار قلم‌هایی هستیم و گرفتار زبانها هستیم و گرفتار بعضی گروههایی که مسلح هم هستند. ما که گرفتار بعضی اشخاص هستیم که کنارنشینانند و به اشخاصی که در میدان هستند، چه میدانهای جنگ، چه میدانهای مبارزه با فساد و چه میدانهای بازسازی کشور، در خارج

بزرگداشت بیست و سومین سالگرد شهادت رفیق خسرو روزبه، قهرمان ملی ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران



برمزار شهید خسرو روزبه، قهرمان ملی ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفیق ابوتراب باقرزاده، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، برمزار روزبه گفت: «روزبه همواره به آرمان مقدسش، به حزبش وفادار ماند. این جمله او در بیدادگاه که: «پوست و گوشت و استخوانم توده‌ای است»، زیانزد خاص و عام است.»

همه جا و همه جا به آرمان مقدسش، به حزبش وفادار ماند. این جمله در بیدادگاه که: «پوست و گوشت و استخوانم توده‌ای است»، زیانزد خاص و عام است. در پایان مراسم، برای گرامیداشت خاطره تابناک رفیق شهید خسرو روزبه، یک دقیقه سکوت شد، سپس حاضرین به مزار شهدای انقلاب و مبارزانی که در مبارزه با رژیم شاه‌مملون به شهادت رسیده‌اند، رفتند و گل نثار آنها کردند.

دستگیری اعضای یک شبکه بمب‌گذاری وابسته به اویسی

آیت‌الله موسوی اردبیلی دادستان کل کشور، در سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه تبریز، طی سخنانی فاش ساخت که عاملین بمب‌گذاریهای اخیر در تهران و شهرستانها، که وابسته به اویسی بوده و با اعضای خاندان منور پهلوی و ژنرالهای فراری تماس داشته و از آنها پول میگرفته‌اند، دستگیر شده‌اند. این شبکه از ۶ مرد و ۴ زن تشکیل شده است.

دیروز مراسم بزرگداشت بیست و سومین سالگرد شهادت رفیق خسرو روزبه قهرمان ملی ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران در بهشت زهرا بر مزار آن شهید برگزار شد. در این مراسم، که گروهی از اعضای و هواداران حزب توده ایران شرکت داشتند، از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران، سازمان جوانان توده ایران، سازمان حزب توده ایران در شهر ری، سازمان حزب توده ایران و سازمان جوانان توده ایران در رامین و کانون دانش‌آموزان شهر ری، تاج گل‌هایی نثار مزار رفیق شهید شد. در این مراسم رفیق ابوتراب باقرزاده، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران،

امپریالیستهای ایالات متحده آمریکا باتب و تاب فراوان میکوشند تا مواضع نو استعمارگرانه و امتیازات از دست رفته خود را (در ایران) بازستانند

عراق پایان پذیرد و میکوشد، تا از این درگیری برای مقاصد سودپرستانه و تضعیف این دو کشور بهره جوید. امپریالیسم ایالات متحده، بدین منظور، ناو-گروه بزرگ خود را همچنان در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند نگه میدارد. در تفسیر «رادیو مسکو» آنکاه گفته می‌شود: «انحصارهای آمریکایی بیچ روی نمی‌تواند اینرا بپذیرد که در پی انقلاب مردمی ایران و اقدامات ضد امپریالیستی مقامات انقلابی، سالانه ۴ میلیارد دلار سود که در نتیجه بهره برداری از ثروت‌های ایران بجنب آنها ریخته میشد، از دست آنها رفته است. محافل امپریالیستی ایالات متحده آمریکا حاضر به قبول این واقعیت نیستند که، پس از انقلاب ایران، این کشور را بتوان پایتگاه نظامی و استراتژیکی علیه کشورهای سوسیالیستی و دیگر کشورهای صلح‌دوست از دست داده‌اند. از اینروست که امپریالیست‌های ایالات متحده آمریکا با تب و تاب فراوان میکوشند تا مواضع نو استعمارگرانه و امتیازات از دست رفته خود را بازستانند.»

در عملیات رزمندگان نیروی هوایی: بخش اعظم تاسیسات یک واحد صنعتی دشمن در کرکوک نابود شد

صنعتی در کرکوک منهدم شد و ۴ تانک، ۴ انبار مهمات و ۳ قبضه توپ صدامیان از بین رفت. در همین بردها بیش از ۲۰۰ نفر کشته شدند. در ادامه نبرد با تجاوزگران صدامی، تلفات و خساراتی به قوای دشمن وارد شد. در بردهای روز ۱۸ و ۱۹ اردیبهشت جاری، از جمله ۹۰ درصد از تاسیسات یک واحد

مفسر «رادیو مسکو» سپس یادآور میشود که «مردم ایران بیخوبی از تلاش امپریالیست‌های آمریکا، اروپای غربی و ژاپن و متحدان ارتجاعی آنها در منطقه، برای براندازی و یا مسخ محتوای انقلابی ایران از راه بر مسند نشانیدن سرسپردگان غربی آنگاهند» و می‌افزاید: «از اینرو امپریالیسم نمی‌خواهد که مناقشات میان ایران و

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

امام خمینی...

بقیه از صفحه ۱

ایران، گفتند: «آن کسی که می گوید حالا از زمان شاه ملعون بدتر است، می فهمد چه می گوید؟ می فهمد که در زمان شاه ملعون سابق بن این ملت ما... چه گذشت و چه نتیجه ها بردند و یک کلمه نتوانستند حرف بزنند.»

همیشه طرفدار از اسلام و طرفدار از مردم بودیم. این را دعوا نکنید، برای اینکه پذیرفته از شما نیست و شما قبل از اینکه اینها به این مطلب برسید، مشت خودتان را یاز کردید. شما الان می بینید که بعضی اجزایی که انحرافی هستند و ما آنها را جزو مسلمین هم حساب نمی کنیم، معذالک چون بنای قیام مسلحانه ندارند و فقط همت های سیاسی دارند، هم آزادند و هم نشریه دارند بطور آزاد. پس بدانید که ما آنطور نیست که یا احزاب دیگری، یا گروه های دیگری دشمنی داشته باشیم. البته میل داریم که همه گروه ها و همه احزاب به اسلام بپیوندند و راه مستقیم اسلام را پیش بگیرند و همه مسلم بشوند، بر فرض اینکه نشوند، مادامی که آنها با ما جنگی ندارند و با کشور اسلامی جنگی ندارند و در مقابل اسلام قیام مسلحانه نکردند، بطور آزاد دارند عمل می کنند و بطور آزاد دارند حرف های خودشان را می زنند. لکن شما بنای بر این مطلب ندارید. من اگر در هزار احتمال، یک احتمال می دادم که شما دست بردارید، از آن کارهایی که می خواهید انجام بدهید، حاضر بودم با شما تفاهم کنم و من پیش شما بیایم، لازم هم نبود شما پیش من بیایید. حالا هم به موجب احکام اسلام به شما نصیحت می کنم. شما در مقابل این سیل خروشان ملت نمی توانید کاری انجام دهید. شما اگر یک وقت ملت قیام کند، مثل یک زرمای در مقابل این سیل خروشان هستید. بر گردید به دامن اسلام. بیایید آن چیزی را که دیگران می خواهند به شما بدهند و وعده آن را به شما می دهند در اسلام برای شما میبایست. شما دست بردارید از قیام مسلحانه و آن چیزهایی که به غارت بریدید از بیت المال مسلمین برگردانید و با مسلمین دیگر، با هم باشید و شما معزز و محترم هستید، لکن مادامی که اسلحه در دست شماست و شما در همین نوشته اظهار مظلومیت و اظهار اینکه ما می خواهیم کارها درست شود و تفاهم بشود و حتی در همین جا تهدید به قیام می کنید. مانی -

اسناد جاسو سخانه...

بقیه از صفحه ۱
مدام باشد و کیو گفت: دولت آمریکا این برنامه را هر ۳ یا ۶ ماه انجام خواهد داد و اگر در مواقعی تبادل اطلاعات فوری خارج از برنامه لازم باشد انجام خواهد گرفت. انتظام پرسید: آیا آمریکا میتواند یک رابطه دائم در تهران داشته باشد و کیو گفت که این موضوع برای آینده است و الان کسی در تهران نیست. در جواب به تکرار آمریکا از لحاظ امنیتی جریان انتظام توضیح داد که گیرندگان این اطلاعات به بازگان، یزدی و یک افسر ارشد اطلاعات که نامش پیدا مشخص خواهد شد و خودش محدود خواهد شد، کیو به این

صدام حسین...

بقیه از صفحه ۱

در پی تجاوز نظامی رژیم صدام حسین به جمهوری اسلامی ایران، که با صلاح دید و در راستای توطئه های پسراندازی امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران صورت گرفت، اتحاد شوروی فروش و ارسال تجهیزات نظامی به عراق را قطع کرد. این واقیعت که سپس بارها و بارها مقامات عراقی و حتی مقامات دولتی کشورهای امپریالیستی بدان اعتراف کرده اند و مقامات مسئول و متعهد ایران نیز آنرا تایید کرده اند، اینک بار دیگر از زبان خود صدام حسین به اثبات میرسد. چنین برخوردی از مساهت صلح دوستانه و ضد امپریالیستی نظام سوسیالیستی اتحاد شوروی ناشی میشود. رژیم چپانکار صدام حسین، که سلاح را از اسرائیل به سوی ایران انقلابی گردانده بود، نمی توانست از اتحاد شوروی سلاح دریافت دارد. لذا صدام حسین به مصر روی آورد و از آنجا که مصر، در دوزانی که هنوز ضد امپریالیست بود و با اسرائیل و امپریالیسم مبارزه میکرد و هنوز «دولتی نیانه روه» چون سادات در آن قدرت را قبضه نکرده بود و به همین دلیل از لحاظ تسلیحاتی از اتحاد شوروی کمک میکرفت، صدام حسین توانست برخی از نیازهای تسلیحاتی خود را با کمک خائنین چون سادات مرتفع سازد. اما این واقیعات برای «امپریالیسم خبری» و طرفداران «دولتی میانه روه» در ایران خوشایند نبود، به همین دلیل اینان تمام تلاش خود را برای کتمان واقیعت و نشر این دروغ، که عراق با کمک و توافق اتحاد شوروی به ایران حمله کرده است، بکار بردند، تا امپریالیسم آمریکا را از زیر ضربه خشم مردم خارج سازند و اتحاد شوروی را بجای آن بیخاندند، یعنی دوست را بجای دشمن در مقابل مردم قرار دهند.

مرا سازد. البته این کار مشکل خواهد بود، ولی باید با یک تلاش مداوم پی گیری شود. انتقام: نژادهای «امنی» پنهان است (از سند شماره ۱۹۶۴ مورخ ۱۹ اکتبر ۱۹۷۹) «د» درباره نژیه، انتظام گفت او جای «امنی» پنهان است و کیل و مدیر مالی است، ولی در انتخابات خود بصیرت ندارد. یک طی یک سخنرانی، نژیه با بیان چندین موضوع و ایراز خشم و ایجاد سوء ظن نسبت به رشد آهسته اقتصاد، (که) سرانجام باعث اخراج شوم او از شرکت نفت شد، کرد. انتظام گفت او و دیگر دوستان نژیه «اعتقاد دارند او می تواند نجات داده شود.»

دور فیک توده های راد ر لاهیجان فوراً آزاد کنید!

دو تن از هواداران حزب توده ایران هنگام فروش روزنامه «نامه مردم» در لاهیجان بدون هیچگونه دلیلی بازداشت شدند. رفقا منوچهر آل بویه و مهدی نظام سردی، هنگامیکه روز بیستم اردیبهشت در لاهیجان «نامه مردم» می فروختند، توسط سپاه پاسداران بازداشت شدند. حزب توده ایران، ضمن اعتراض شدید به این عمل غیرقانونی، از مقامات مسئول لاهیجان، بویژه فرماندهی سپاه پاسداران، می خواهد که این دو رفیق را بیدرتک آزاد کنند.

بخش اعظم...

از صدامیان کشته وزخمی شدند. اطلاعات شماره ۴۹۸ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران درباره این عملیات، از جمله حاکیست که در حمله دیگری مواضع متجاوزین عراقی در مناطق مارد و شمال غربی اهواز هدف قرار گرفت و خسارات زیادی به دشمن وارد شد. در محور آبادان - ماهشهر و جبهه دارخوین نیز مواضع دشمن مورد حمله تویخانه نیز میز میز ارتش جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت، و در نتیجه آن یک توپ، ۳ خودرو، یک مخزن سوخت و چندین سنگر دشمن نابود شد. در منطقه دزفول نیز ۳ تانک، ۳ انبار مهمات و ۲ خمپاره - انداز دشمن از بین رفت. در عملیات مشابهی در جبهه عین خوش ۲ خودرو نظامی افراد متجاوز به آتش کشیده شد. رزمندگان نیروی دریایی طی عملیاتی در بخش اصفالی خونین شهر، یک پست دیده بانی، یک انبار مهمات و چند سنگر دشمن را به آتش کشیدند. یکی از یگانهای نیروی زمینی نیز موفق شد در ارتفاعات اله اکبر، یک تانک، ۲ خودرو و ۲ سنگر نفرت تجاوزگران را نابود کند. بر اثر اجرای آتش تویخانه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران بر روی پادگان بوبان در خاک عراق، در شمال پنجویسن، یک ساختمان و تعدادی خودروی نظامی منهدم شد. در این عملیات گروه تامین پادگان و تجهیزات آنان بکلی نابود شد. همچنین در منطقه ولیاوه عراق بر اثر آتش تویخانه رزمندگان انقلاب یک خودرو، ۳ جادر گروهی دشمن منهدم شد و به ۲ تانک و ۱۰ سنگر اجتماعی رزمندگان انقلاب همچنین موفق شدند یورش نیروهای دشمن در منطقه مریوان را دفع کنند. در این عملیات، که به قصد تصرف ارتفاعات تته صورت گرفت، تجاوزگران صدامی بیش از ۲۰۰ کشته و زخمی بجای گذاشتند و متواری شدند. در همین منطقه ۲ عراده توپ دشمن نابود شد و ۱۰ تن از خدمه آنان کشته و زخمی شدند. جنایتکاران صدامی در مقابل به بیمارارن مناطق مسکونی شهرهای آبادان، دزفول، اهواز و اندیمشک پرداختند. در این عملیات، که با موشک و سلاحهای سنگین انجام شد، تعدادی از واحدهای مسکونی شهرهای مذکور از بین رفت و عدهای از هم میهنان ما شهید و مجروح شدند. همچنین در عملیات ۲ روز ۱۸ و ۱۹ اردیبهشت، ۲ تن از رزمندگان انقلاب شهید شدند.

راد یو مسکو...

بقیه از صفحه ۱
دست برترفته خود را باز ستانند. مفسر «راد یو مسکو» در پایان سخنرانی لژیون پرژوف را در ضیافتی به افتخار معمر قذافی، بهنگام سفر اخیر رهبر لیبی به اتحاد شوروی یادآور میگردد که: «امپریالیسم نخواهد توانست که چرخ تاریخ را به عقب برگرداند و انقلابی مردمی را سرکوب سازد. یکسار آزادی خواهان خلقها، که اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی از آنها مجدانه پشتیبانی میکنند، یافت. اتحاد انترناسیونالیستی فرابنده خلقهای کشورهای رشد یابنده با نیروهای سوسیالیسم جهانی ضامن پیروزی این یکسار و عامل تعیین کننده تاریخ معاصر است.»

باتامین نیازمندیهای مردم موند تبلیغات ضد انقلاب را خنثی کنید

مردم شهرستان مرند از کمبود مواد غذایی و مایحتاج اولیه زندگی رنج می برند. در این شهرستان، که با توجه به مهاجرت عدهای کردنشینان آذربایجان غربی جمعیت زیادی دارد، تنها یک فروشگاه توزیع گوشت با قیمت دولتی وجود دارد. در زمینه توزیع نان و نفت نیز اشکالاتی وجود دارد. ضد انقلاب نیز با سوء استفاده از این مشکلات و با بزرگ کردن نارسائیهای موجود، که بیشتر از رژیم گذشته به ارث رسیده است، در میان مردم شهر به تبلیغات وسیعی دست زدماست. بر مسئولین استان آذربایجان شرقی است که با رفع این مشکلات، زمینه مناسب برای تبلیغات ضد انقلابیون را از بین ببرند.

به وضع اسف بار بیماران مریوان رسیدگی کنید!

شهرستان مریوان امکانات پزشکی به اندازه کافی ندارد. برای معالجه مردم ساکن مریوان و روستاهای اطراف آن تنها ۵ پزشک عمومی وجود دارد. تنها بیمارستان مریوان دارای ظرفیت پنجاه تخت خواب است، که در حال حاضر فقط ۲۵ تخت آن قابل استفاده است. این بیمارستان همچنین فاقد هرگونه متخصص برای درمان بیمارهاست. در شهر مریوان مطب وجود ندارد و تنها داروخانه شهر، اغلب فاقد داروهای ضروری است. دولت جمهوری اسلامی ایران اخیرا اکیبهای پزشکی به طور

رفقا کامران مدنی و رحمان نظری مقلم از زندان، جشن اول ماه مه را تبریک میگویند. این رفقا را آزاد کنید!

رفقا کامران مدنی و رحمان نظری مقدم، که در حوادث اخیر راسر، بیگناه دستگیر شده اند و بنایق هنوز در زندان بسر می برند، همراه با هواداران مازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) که در زندان هستند، بمناسبت اول ماه مه - روز جهانی کارگر - جشن کوچکی برپا داشتند. این رفقا ضمناً بوسیله «نامه مردم» جشن اول ماه مه را بهمه کارگران و زحمتکشان ایران تبریک گفتند. از فرصت استفاده می کنیم و بار دیگر مصرا نه خواستار آیم که این رفقا بیدرتک آزاد شوند.

گرفتن تعهد از معلمان ماه شهر غیر قانونی است

معلمان پاکسازی شده ماه شهر، پس از هفت ماه بلا تکلیفی، از جانب اداره آموزش و پرورش این شهر، دعوت به کار مجددا شدند. لیکن با کمال تأسف برای بازگشت این معلمین شرطی قائل شده اند، که تقییش عقاید است و لفظاً مغایر قانون اساسی است. بدین ترتیب که معلمین میزور به شهر مریوان تعهد کتبی مبنی بر اینکه «مسلمانان و به خدا اعتقاد دارم، عضو هیچ حزب و گروهی نیستم و... غیره» می توانند به سر کار بازگردند.

این روش نادرست و غیر اصولی باعث شده است که عدهای از افراد مشکوک، که قبلاً در خدمت رژیم سرنگون شده بودند و اینک علیه انقلاب هستند، بلا واسطه سر کار بازگردند. بر عکس، افراد با صداقت و مومن به انقلاب و دارای گرایشهای گوناگون مسلکی و مذهبی، عملاً از کار برکنار مانده اند.

پرقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق!

در آلومینیوم‌سازی اراک:

از طرف "سازمان گسترش و توسعه صنایع ایران"، اواسط سال گذشته، مدیرعامل جدیدی عهده‌دار اداره کارخانه آلومینیوم سازی اراک شد. وی در بدو ورود، شورای کارخانه را منحل و هشت نفر از کارکنان کارخانه را اخراج کرد. این مسئله کارخانه را به شدت متشنج کرد و با مخالفت شدید کارگران روبرو شد. کارفرما برای مقابله با کارگران، دوازده نفر دیگر از کارکنان کارخانه را بیکار کرد.

چنین بنظر می‌رسد که مدیریت کارخانه آلومینیوم سازی، علیرغم تلاش کارگران برای بالابردن تولید و عمل نارسایی‌های دوران جنگ، می‌کوشد که با افزایش نارضایتی کارگران، کارخانه را باخطر اعتصاب و تحمض روبرو سازد. مدیرعامل با ایجاد رعب و وحشت و نفتیش عقاید در بین کارگران و ترساندن آنها بوسیله ماده ۳۳- که حربه‌ایست در دست مدیران طاغوتی برای سرکوب کارگران- می‌کوشد به نارضایتی در بین کارگران دامن زند. این اعمال خلاف قانون، که حق دخالت کارگران را حتی در تعیین سرنوشت خود از آنان سلب کرده، بوشمکلات کارخانه افزوده است.

اخیرا بخشنامه‌هایی از طرف مدیریت کارخانه صادر شده، که نارضایتی را در بین کارگران افزایش داده و اوضاع کارخانه را بیشتر متشنج کرده است. ناگفته نماند که مدیرعامل و مدیر داخلی کارخانه، پس از صدور این بخشنامه‌ها، شهر اراک را ترک کرده‌اند.

مدیریت انقلابی و نظارت شورایی غایب است

مضمون یکی از بخشنامه‌ها، که خشم کارگران را برانگیخته، تغییر کلی ساعات کارخانه است. طبق این بخشنامه، زمان استراحت کارگران کم شده و همین مسئله عصبانیت کارگران را فراهم کرده است. کارگران می‌گویند: "با توجه به رهنمودهای امام خمینی و مصالح انقلاب از مسئولان امر تقاضا داریم که ضمن رسیدگی به خواسته‌های برحق ما،

با افعال مدیریت انقلابی حفظ آرامش، افزایش تولید و طرفداران انقلاب از کارخانه‌ها ممکن می‌شود.

سوابق مدیرعامل کارخانه را مسوود بررسی قرار دهند. کارگران همچنین به بخشنامه دیگری که طی آن، آنها اجازه نخواهند داشت کفش و لباس کار خود را از کارخانه خارج کنند، اعتراض داشتند. آنها اظهار می‌دارند:

"در کارخانه ما شین لباس شویی نداریم و اصولا هیچگونه امکانی برای شستن لباس در کارخانه برای ما وجود ندارد. ما برای حفظ نظافت مجبوریم هر چند وقت یکبار لباس‌هایمان را برای شستشو به منزل ببریم. کارگران می‌گویند: "اگر کفش یا لباس کار ما زودتر از موعد مقرر پاره شوند کارفرما به ما لباس یا کفش دیگری نمی‌دهد. یکی از کارگران می‌گفت: "تا زمانی

که ما سازمان متشکل قانونی نداشته باشیم، صدایمان به جایی نمی‌رسد. هر وقت بخواهیم حرفی بزنیم، چاق ماده ۳۳ بفرق ما فرود می‌آید، ما باید سندیکی خود را ایجاد کنیم، تا بتوانیم از آن طریق به خواسته‌های خود جامعه عمل بپوشیم. بالاینکه تا بحال طرح جدید تنظیم ساعات کارگران با مخالفت شدید کارگران مواجه شده و حتی زیر فشار کارگران زمان اجرای آن سه بار به تعویق افتاده است، ولی متأسفانه مدیریت طی بخشنامه دیگری از آنها خواسته است که این طرح باید فوراً به مرحله اجرا درآید. او کارگران را در صورت مخالفت مجدداً این طرح، تهدید به اخراج کرده است. ماضن هشدار به مسئولان امر، از آنها می‌خواهیم که هر چه زودتر، با رسیدگی به مشکلات موجود کارخانه، برطرف کردن تشنج، آرامش را به کارخانه بازگردانند. وضع بهداشت کارخانه

کارگران قسمت‌های آلومینیوم در بدترین شرایط آلودگی هوا و سختی کارکاری می‌کنند و همواره سلامت آنها در معرض خطر و ابتلا به بیماری-هایی چون سل، کم خونی، واریس و... قرار دارد. کارگران از مسئولان امر انتظار دارند که محیط کار آنها از نظر بهداشتی، ایمنی و حفاظتی مورد رسیدگی قرار بگیرد.

انقلاب را به درون کارگاه‌ها ببرد!

اکثر کارگران کارگاه‌های کوچک حتی از مزایای قانون کار گذشته نیز بی‌بهره‌اند

آن‌ها قائل شده است، بی‌بهره هستند. از طرفی کارفرمایان با سوءاستفاده از وجود لشکر کارگران بیکار، کارگران را براحتی و باسو استفاده از ماده ۳۳ قانون کار گذشته - که هنوز بر روابط کارگران و کارفرمایان حاکم است - اخراج می‌کنند. بر مسئولین امر است که مشکل کارگاه‌های کوچک را دست کم نگیرند و باتصویب یک قانون کار انقلابی، که با شرکت نمایندگان واقعی کارگران تهیه و تدوین شود به استعمار بی حساب و کتاب در کارگاه‌ها خاتمه دهند. انقلاب باید هر چه سریعتر شرایط یک زندگی انسانی را برای زحمتکش‌ان آماده سازد. تنها از این راه است که دستاوردهای انقلاب استوار، محکم و برگشت ناپذیر خواهد شد.

طبقه کارگران ایران در افزایش تولید، ترمیم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیشقدم است!

واقعیت تلخ این است که برخورد حاکمیت جمهوری اسلامی با رویدادهای افغانستان از ابتدا بر این پایه نادرست و غیرواقعی استوار شد که گویا تمام جنایات و تحریکاتی که به دست ضدانقلاب وابسته به آمریکا و چین و انگلیس و پاکستان و مصر و عربستان سعودی و... علیه انقلاب افغانستان انجام می‌گیرد، "حق مطلق" است و باید از آن با تمام نیرو حتی با کمک‌های نظامی و انسانی پشتیبانی کرد. نهال این ارزیابی که مسلماً به وسیله عناصر وابسته به امپریالیسم آمریکا مانند امیران نظام و یارانش کاشته شد، با مودنی‌گری بی سابقه‌ای از طرف امیر-انتظام‌های افغانی یعنی دارودسته حفیظ الله امین که بانفوذ در درون صفوف دولت انقلابی و بالارفتن تابلاترین مسئولیت، دقیقاً سیاست امپریالیسم آمریکا را پیاده می‌کرد، آبیاری گردید.

بررسی تبلیغات دولت افغانستان نشان می‌دهد که پس از پیروزی انقلاب ایران به موازات افزایش نفوذ و قدرت عملی حفیظ الله امین در دستگاه دولتی، تبلیغات رسمی افغانستان نیز نسبت به انقلاب ایران خصمانه‌تر می‌شد و تنها پس از برکناری اوست که این تبلیغات در جهت پشتیبانی از انقلاب ایران تغییر کیفی بنیادی پیدا کرده است.

به این ترتیب کاملاً مشهود است که عوامل آمریکا در ایران و در افغانستان یعنی امیر-انتظام‌ها و حفیظ الله امین، هر دو در یک جهت یعنی تیره کردن هر چه بیشتر مناسبات ایران انقلابی و افغانستان انقلابی عمل می‌کرده‌اند. یا به بیانی روشن‌تر هر دو "رهنمود" برژینسکی را پیاده می‌کرده‌اند.

در این مورد باید به این عامل هم توجه کنیم که زیرکی و مهارت محافل امپریالیستی که از همان آغاز تمام توطئه‌ها و تحریکات خود را در افغانستان (مانند کودتای ضیاءالحق در پاکستان) زیر پرچم "اسلام" مخفی ساختند، به موفقیت نسبی این توطئه کمک کرد و توانست بخش قابل ملاحظه‌ای از مبارزان ضدامپریالیستی مسلمان ایران را به گمراهی اندازد و همان‌طور که متأسفانه شاهدش بودیم جاسوسان افغانی آمریکا و انگلیس در نتیجه این نیرنگ توانستند با کمک وزیر خارجه جمهوری ضدامپریالیستی ایران و با هزینه مردم ایران در "اسلام آباد" و "ژنو"، نمایش‌های آمریکا ساخته را به روی صحنه بیاورند. تا سفاک‌آور است که با این که بخش‌های مهمی از این نیرنگ و توطئه آمریکا آشکار شده، هنوز هم در بسیاری از موارد، سیاست دولت جمهوری اسلامی ایران در مورد افغانستان، تا حدود زیادی با سیاست امپریالیسم و ارتجاع جهانی انطباق دارد و ناخواسته به آن کمک می‌کند.

این بود به طور مختصر خطوط اساسی توطئه عظیم امپریالیسم و ارتجاع جهانی برای بازگرداندن "ثبات" آمریکایی به منطقه‌ای که طبق گفته برژینسکی در پیامد انقلاب‌های افغانستان و ایران ثباتش به هم خورده و با از بین رفتن این ثبات خطرات عظیمی برای "منافع حیاتی" امپریالیسم و ارتجاع جهانی، نه تنها در این منطقه، بلکه در سراسر جهان بوجود آمده است. تهاجم امپریالیسم با بهره‌گیری از همه امکاناتش هنوز در مراحل اولیه خود است و ما باید هشیار باشیم که این تهاجم و تجاوز هر روز اشکال تازه‌تر و دامنه‌دارتر و جنایت‌آمیزتری به خود خواهد گرفت. کودکانه است اگر تصور شود که بدون تجهیز همه نیروهای راستین ضدامپریالیستی و مردمی نه تنها در میهنمان، ایران، بلکه در سطح منطقه، انقلاب ایران خواهد توانست در دراز مدت در برابر این توطئه‌ها مقاومت نماید.

سرنوشت انقلاب ایران از همه نیروهائی که صادقانه خواستار تثبیت و تحکیم و گسترش آن هستند، مصرانه و پیگیرانه می‌خواهد که بی‌درنگ اختلافات فرعی را کنار بگذارند، از انحصار طلبی، قشری‌گری و خودمحور بینی دست بردارند و برای تشکیل جبهه متحدی برپایه برنامه‌ای که فوری‌ترین و مبرم‌ترین خواسته‌های جامعه ما را پاسخ دهد، تلاش نمایند.

تاریخ آینده میهن ما همه آن افراد و گروه‌هائی را که در برابر این ضرورت تاریخی لجاج و عناد می‌ورزند، شدیداً محکوم خواهد کرد، هر قدر هم که این افراد و گروه‌ها بخواهند ادعا کنند و حتی ثابت کنند که "صادقانه" لجاج و عناد کرده‌اند.

تشکیل جبهه متحد خلق، جبهه متحد همه نیروهای خواستار استقلال ملی و آزادی، در داخل کشور و گسترش مناسبات دوستانه و برادرانه با تمامی جبهه عظیم نیروهای ضد امپریالیستی در سراسر جهان و بویژه در منطقه میهن ما، بزرگ‌ترین و کوبنده‌ترین ضربه بر پیکر امپریالیسم جهانی خواهد بود. وظیفه تاریخی همه میهن دوستان راستین است که تمام تلاش خود را در این راه به کار اندازند.

هشت پای آمریکا

بقیه از صفحه ۶

"ویژگی‌ها"ی ناشی از ویژگی‌های دو کشور، به طور عمده یکسان هستند: پشتیبانی از ضدانقلاب، کوشش در فلج کردن اقتصاد، فشار سیاسی و اقتصادی و نظامی و تبلیغاتی از خارج، تلاش در به‌جان هم انداختن نیروهای کم تجربه انقلابی، خرابکاری، بمب‌گذاری، آتش زدن خرمن‌ها، ترور و آدم‌کشی، تجهیز و سازماندهی و فعال ساختن ضدانقلاب افغانی در خارج و داخل کشور، از محمد ظاهر شاه گرفته تا مائوئیست‌ها و خلق مسلمان‌ها و کومله‌ای‌ها و رنجبری‌ها و دسته‌های اشرار و قاچاقچیان هروعین و دزدان و آدمکشان که نمونه‌های "فعالیت انقلابی" بسیاری از آنان را در روزنامه‌های ایران بی‌دریی شاهد هستیم.

در این ارتباط به آمار جالبی که طی مقاله‌ای در روزنامه کیهان (۶ اردیبهشت ۵۹ صفحه ۱۲) منتشر گردید، توجه کنیم- در این مقاله گفته می‌شود که در افغانستان ۶۵ گروه شورشی علیه دولت مرکزی مبارزه می‌کنند که ۴۰ تای آن‌ها مذهبی و ۲۵ گروه دیگر غیر مذهبی هستند و مقاله اضافه می‌کند که:

"بسیاری از این گروه‌ها از آمریکا تغذیه می‌شوند و تعدادی نیز از حمایت چین بهره‌می‌گیرند. تعدادی مورد حمایت شدید فتوئال‌ها و زمین‌داران بزرگند و تعدادی دیگر به آرزوی ایجاد کشوری سلطنتی می‌جنگند. گروه‌های صادق و مسلمان اسلامی (نه از نوع آمریکائیش) نیز در آنجا به مبارزه مشغولند... این گروه‌ها متأسفانه تعدادشان بسیار محدود و انگشت‌شمار است..."

شباهت بسیار است. ضدانقلاب افغانستان هم مانند ضدانقلاب ایران، هم‌خاندان پهلوی "منتظرالسلطنه" خود را دارد و هم اوپسی‌ها و پالیزان‌ها و بزرگ مالکان خود را، هم "خلق مسلمان" و "رنجبری" دارد و هم باندشعبان بی‌مخ‌های حرفه‌ای. همه چیز در این مورد در دو کشور انقلابی به هم شبیه هستند، حتی انواع و اقسام "لیبرال‌ها"ی فراری که اکثرشان به نام اسلام و زیر پرچم اسلام علیه نظامی می‌جنگند که بندهای "ج" و "د" خود را مدت‌هاست اجزا کرده، به سلطه جابرانه محمد ظاهر شاه و داودها پایان داده و حتی سرسپردگانی از نوع امیرانتظام‌ها و سادات‌ها و صدام‌ها را که در شرایط افغانستان توانسته بودند تا سطح به دست گرفتن بالاترین اهرم‌های حاکمیت بالابروند، خنثی ساخته و راه پیشرفت اجتماعی را هموار می‌سازد.

به این ترتیب مشاهده می‌شود که در بسیاری از زمینه‌ها شباهت خیره‌کننده‌ای میان اوضاع افغانستان و میهن ما وجود دارد و در حقیقت، نظام ضدامپریالیستی و مردمی افغانستان که با انقلاب ثور ۱۳۵۷ برقرار شده و نظام ضدامپریالیستی و مردمی جمهوری اسلامی که با انقلاب بهمن‌ماه ۱۳۵۷ پیروز گردید، در حقیقت دوبرادر هستند که در برابر دشمنان خونخوار مشترک یعنی امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه قرار گرفته‌اند. ایران مورد تجاوز صدام قرار می‌گیرد و افغانستان مورد تجاوز غیر مستقیم پاکستان و چین که به وسیله آمریکا و انگلیس و مصر و اسرائیل و عربستان سعودی پشتیبانی می‌شوند.

در پاکستان پایگاه تجاوز و تخریب علیه انقلاب ایران و انقلاب افغانستان به رهبری "کارشناسان" آمریکائی بوجود آمده و مشغول فعالیت هستند.

در پاکستان تحت رهبری آمریکا تدارک جدا کردن بلوچستان ایران از ایران و ایجاد بلوچستان واحد در چهارچوب کشور پاکستان با شدت ادامه دارد و برای این منظور سازمان سیاسی حزب "وحدت بلوچ" مستقیماً با شرکت خان‌های مرتجع و ساواکی بلوچ ایران و نظائرشان در بلوچستان پاکستان زیر نظر مستقیم "سیا"ی آمریکا بوجود آمده است که دبیر کل آن ستار مولاداد می‌باشد.

سخن کوتاه، استراتژی و تاکتیک‌های امپریالیسم جهانی در مورد انقلاب ایران و انقلاب افغانستان دقیقاً یکسخت و اگر برخی تفاوت‌ها در تاکتیک‌ها دیده می‌شود مربوط به برخی ویژگی‌های دو انقلاب و دو کشور است.

ولی در مورد انقلاب افغانستان یک عامل منفی وارد محاسبات می‌شود و آن پیامدهای ناگوار ارزیابی نادرست حاکمیت جمهوری اسلامی در مورد انقلاب افغانستان است.

مقاله‌ای که در زیر از نظر خوانندگان می‌گذرد، برای شماره ۲ (اردیبهشت ۱۳۹۰) دنیا، تهیه شده است. از آنجا که تا انتشار این شماره دنیا هنوز مدتی وقت باقی است، این مقاله را به سبب اهمیت مسائلی که در آن طرح و تحلیل شده است، در این شماره «نامتزد» درج می‌کنیم.

همه آن‌هایی که در راه تأمین استقلال واقعی میهنمان درتکاپو هستند، امروز دیگر خوب می‌دانند که هم‌اکنون دوتوطئه آمریکایی برای درهم شکستن انقلاب ایران در جریان است: یکی توطئه ششم به صورت تجاوز نظامی آمریکایی - صدامی ارتش عراق و دیگری توطئه هفتم به صورت ایجاد تشنج و درگیری از راه‌های گوناگون برای سرنگون کردن حاکمیت کنونی و روی کار آوردن یک دولت میانه‌رو و عاقل که بتواند منافع حیاتی آمریکا را در منطقه تأمین نماید.

این آمریکا با محتوای «خاص» و «عام» خود شب و روز در صدد توطئه برای برانداختن و درهم شکستن انقلاب شکوهمند میهن ماست. البته دیگر قشر بی‌سویسی از مبارزان راه استقلال میهن ما به این حقیقت پی برده‌اند که این تلاش آمریکا برای درهم شکستن پیروزی تاریخی خلق‌های ایران تنها بخشی از تلاش عام این آمریکا در سراسر جهان برای درهم شکستن همه نظام‌های خلقی و مردمی و همه جنبش‌های رهایی‌بخش ضدامپریالیستی است.

به این ترتیب می‌بینیم که مبارزه ملت قهرمان ما برای تثبیت و تحکیم دستاوردهای انقلابیست و به ویژه برای آمریکا از لحاظ امکانات عظیم غارتگری مستقیم (منابع نفتی و سایر منابع ثروت ملی) و از لحاظ استراتژیکی برای نقشه‌های جهانی تأمین و تثبیت دنیای غارتگران و هم از لحاظ منطقه‌ای که کشور ما در آن قرار گرفته است دارای اهمیت «یگانه» و «بی‌همتای» است.

منطقه کشور ما بخش عمده سوخت جهان امپریالیستی را تأمین می‌کند و در همسایگی مرز جنوبی بخش مرکزی اتحاد شوروی قرار گرفته است برای آمریکا «ی عام» دارای اهمیت کلیدی است و کشور ایران هم در این منطقه دارای اهمیت کلیدی است. با این مقدمه به خوبی معنای واقعی «تاکیدات» مشهور و «مکرر» برزنسکی، یکی از پیشکاران راکفلر و یکی از استراتژی‌های محافل سرمایه‌داری انحصاری جهانی در مورد اهمیت ایران و افغانستان برای «امنیت» (!) کشورهای غربی و اهمیت واقعی سخنانی که در زیر می‌آید، روشن می‌شود:

اگر این منطقه منفجر شود... توازن قدرت در جهان نه‌تنها به طور عمده بلکه به طور تغییرناپذیری از بین خواهد رفت.

ما با درک این مسئله یک سیاست آبی و زودگذر دنبال نمی‌کنیم، بلکه با مسئله امنیت ملی حیاتی روبرو هستیم و به تلاش‌های جدی خواهیم پرداخت (روزنامه «جمهوری اسلامی»، ۵ آبان ۱۳۵۹).

بجاست که یک‌یک این جملات را در تمام ابعادش مورد بررسی قرار دهیم تا تمام سیاست آمریکا را در مورد انقلاب ایران به بهترین شکل دریابیم.

حکام زیر از این گفتارهای بیرون می‌تراود:

- ۱- منطقه میهن ما، نه تنها برای امنیت آمریکا «ی خاص»، بلکه برای «امنیت» تمام کشورهای غربی و یا به کلام ساده برای «امنیت» امپریالیسم جهانی دارای اهمیت حیاتی است.
- ۲- «ثبات» مورد علاقه آمریکا «برای تأمین این امنیت با انقلاب افغانستان و انقلاب ایران متزلزل گردیده است و اگر این ثبات مجددا برقرار نشود، تناسب نیروها میان جبهه‌های امپریالیستی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و جبهه نیروهای ضد امپریالیستی، نه‌تنها به طور عمده بلکه به طور تغییرناپذیری به زیان جبهه آمریکا تغییر پیدا خواهد کرد.
- ۳- برگرداندن این «ثبات» کار آسان و کار امروز و فردا نیست و امپریالیسم جهانی با نقشه‌های درازمدت «تلاش‌های جدی» خواهد کرد که این «ثبات» را دوباره به منطقه برگرداند، یعنی یا افغانستان و ایران را به حالت پیش از پیروزی انقلاب‌های این دو کشور برگرداند و رژیم‌های سرسپرده محمدرضاشاهی و محمدظواهرشاهی را دوباره بر آن‌ها مستقر سازد و اگر این کار میسر نشد، رژیم‌های «میانه‌رو» مانند رژیم سادات در مصر و یا قداره‌بند، مانند رژیم ضیاءالحق در پاکستان را جانشین نظام‌های ضد امپریالیستی و ضد استبدادی کنونی در این دو کشور سازد.

با این مقدمات استراتژی آمریکا را در مورد ایران و افغانستان می‌توان این‌طور ترسیم کرد:

حداکثر: براندازی نظام‌های ضد امپریالیستی در ایران و افغانستان و مستقر ساختن نظام‌های سرمایه‌داری وابسته به جهان امپریالیستی.

حداقل: تضعیف این نظام‌ها تا آن حد که خطر گسترش انقلاب از این دو کشور به کشورهای دیگر منطقه منتفی شود، تا رژیم‌های ساداتی و قابوسی و ضیاءالحق بتوانند آسوده خاطر به پاسداری از منافع امپریالیسم و ارتجاع در منطقه ادامه دهند.

نیروهای اصلی برای رسیدن به این هدف عبارتند از:

در درجه اول نیروهای ضد انقلابی در ایران و افغانستان. طیف این نیروها از اردو دستم‌های ساواکی - اویاش و آدمکشان و قداره‌کش‌های حرفه‌ای اشراف و اویسی آغاز و به گروه‌های

«رجبر» و «تروتسکیت» و «بیکار» و «کومه» و «دوکرات» ایرانی و افغانی ختم می‌شود. متحد عمده این نیروها در شرایط حاضر نیروهای سازشکار و تسلیم‌طلب بورژوازی لیبرال و اقتدارمرفه بناپینی هستند.

نیروهای ذخیره درجه یک را نیروهای ارتجاعی منطقه یعنی نیروهای پشتیبان صدام، سادات و ضیاءالحق و قابوس و ژنرال انور و شاه سعودی و شاه حسین‌ها و شاه‌چه‌های خلیج فارس تشکیل می‌دهند که همه دست به ماشه مسلسل و گوش به فرمان آماده‌پشتیبانی از نیروهای براندازی داخل این کشورها هستند.

نیروهای ذخیره استراتژیک که در لحظه بحرانی قطعی وارد میدان خواهند شد، همان نیروهای واکنش سریع آمریکا است که در روی بیش از ۶۰ ناو جنگی و ده‌ها پایگاه نظامی نزدیک و دور از منطقه خلیج فارس در عمان، عربستان سعودی، مصر و سومالی و بحرین و مصریه و دیوکاگراسیا... متمرکز شده‌اند. حدود اهمیت این ذخیره استراتژیک را خبر زیر که روز ۲۶/۵ از صدای آمریکا پخش شد، مشخص می‌سازد:

«کاسبر و اینبرگر وزیر دفاع آمریکا دیروز اعلام کرد که به زودی فرماندهی نیروهای ضربتی جدا از سایر نیروهای مسلح آمریکا تشکیل خواهد شد، تا دفاع از منافع ملی ایالات متحده را (!) در حوزه خلیج فارس عهده‌دار گردد. دو لشکر از واحدهای هوایی نیز هسته اصلی نیروی جدید را تشکیل خواهند داد و به گفته یکی از امرا ارتش آمریکا یک لشکر دیگر، چهارواحد هوایی، یک واحد از تفنگداران دریایی و واحدهای دیگری نیز بعداً به آن ملحق خواهند شد. در اطلاعیه وزارت دفاع آمریکا آمده است که نیروی ضربتی آمریکا... طی ۳ تا ۵ سال آینده تحت فرماندهی واحدی به منظور خدمت در خلیج فارس و نواحی مجاور آن قرار خواهد گرفت و مشابه نیروهای خواهد بود که به فرماندهی منطقه اروپا، اقیانوس‌آتلانتیک و اقیانوس آرام اختصاص یافتند... مقام‌های دولت ریگان می‌گویند هدف اصلی از تشکیل فرماندهی جدید، دفاع از منابع نفتی مورد نیاز آمریکا، اروپای غربی و ژاپن در منطقه خلیج فارس در مقابل تهدیدهای داخلی، منطقه‌ای... می‌باشد».

به نظر می‌رسد که این داستان محتاج هیچ گونه تفسیری نیست.

چ = جهت وارد آوردن ضربه اصلی:

سومین عنصر استراتژی آمریکا «در مورد انقلاب ایران و افغانستان، دو کشوری که «ثبات» آمریکایی منطقه را به خطر انداخته‌اند، مشخص کردن جهت وارد آوردن ضربه اصلی است و آن به طور مشخص عبارتست از دست یازیدن به هروسویه و بهره‌گیری از هرامکان برای جلوگیری و یا اخلال کند ساختن روند تثبیت و تحکیم انقلاب‌های ایران و افغانستان، هم در درون کشور و هم در صحنه سیاست جهانی.

با برگزیدن این سمت‌گیری، آمریکا به خود وعده می‌دهد که در صورت پیشروی به دوپایام مهم زیر برسد:

- یکی این که باناتوان کردن نظام کنونی جمهوری اسلامی و متزلزل ساختن آن، درجه ضربه‌پذیری روز به روز افزایش پیدا کند تا آنجا که دشمنان انقلاب بتوانند آن را از یاد آرند، و دوم این که در حلال با ادامه ضعف و ناتوانی جمهوری اسلامی از حرکت به سوی آن آماج‌های اجتماعی و اقتصادی که به مردم وعده داده‌اند است، یعنی تأمین واقعی استقلال سیاسی - اقتصادی، فرهنگی و نظامی و حرکت به سوی پیشرفت و عدالت اجتماعی به سود محرومان جامعه، قوه جاذبه انقلاب ایران را بر روی دیگر خلق‌های آمریکازده کشورهای منطقه ضعیف سازد و امکانات مادیش را برای کمک به جنبش‌های رهایی‌بخش این خلق‌ها و به ویژه خلق فلسطین تا حد صفر محدود نماید.

این است به نظر ما نقشه استراتژیک آمریکا «ی عام» در مورد انقلاب میهن ما. و اما با چه تاکتیک‌هایی آمریکا این نقشه را پیاده می‌کند؟

بررسی برخی اسناد اظهاریه‌های مسئولان آمریکا و تحلیل‌های سیاسی ارگان‌های خبری وابسته به امپریالیسم خطوط کلی تاکتیک دشمنان انقلاب ایران را روشن می‌سازد. این بررسی ضمناً نشان می‌دهد که خط‌اساسی و پایهای این تاکتیک همان دستورالعملی است که برزنسکی از قول کارتر، رئیس‌جمهور به وزارت خارجه آمریکا در ماه اوت ۱۹۷۹ یعنی تابستان ۱۳۵۸ چند ماه قبل از اشغال جاسوسخانه ابلاغ کرده است.

اسناد به دست آمده در جاسوسخانه هم این شیوه عمل را در تمام ابعادش افشا کرد. در جریان بیش از دوسالی هم که از پیروزی انقلاب می‌گذرد دقیقاً هر روز گوشه‌ای از نقشه‌ها و شیوه‌های امپریالیسم جهانی در برابر چشمان مردم ایران آشکار گردید. اجزاء و عناصر و شکردهای رنگارنگ این (تاکتیک) شیوه عمل آمریکا را که هم‌اکنون در همان جهت اصلی یعنی جلوگیری از تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب ایران و افغانستان است، می‌توان به صورت زیر نشان داد.

اول - در مورد انقلاب ایران

۱- پائین آوردن اعتبار و نفوذ رهبری انقلاب که در شخصیت امام خمینی متبلور گردیده است

نقطه مرکزی تاکتیک تخریبی امپریالیسم برای ناتوان ساختن انقلاب ایران همین مسئله است. امپریالیسم به خوبی دریافته است که در چهارچوب این ویژگی انقلاب ایران که فاقد یک سازمان آبدیده و بانجربه برای رهبری همه‌جانبه انقلاب بوده و امام خمینی با موضع‌گیری پیگیر و متزلزل‌ناپذیر، علیه امپریالیسم، علیه استبداد، علیه غارتگری ارگان‌های داخلی و خارجی، چه در دوران تدارک و انجام انقلاب و چه در دوران طولانی دوسال و نیمه‌ای که از انقلاب می‌گذرد، اعتماد وسیع‌ترین اقشار توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکش شهر و روستا را جلب کرده است، تضعیف نقش امام خمینی و حتی در صورت امکان حذف آن، امکانات پدیده‌های را برای کامیابی دسیسه‌های تخریبی دشمنان انقلاب تأمین خواهد نمود. بی‌جهت نیست که در رهنمود برزنسکی به وزارت خارجه، این مسئله با تأکید مورد تأیید قرار می‌گیرد و توصیه می‌شود که برای این منظور همه نهادهای سیاسی - تخریبی آمریکا باید زیر رهبری سازمان «سیا» با همه گروه‌ها و دسته‌های «مذهبی» و «سیاسی» و «ملی» که در جهت درهم شکستن رهبری امام خمینی بر جنبش رهایی‌بخش ملی عمل می‌کنند، تماس برقرار کنند.

تجربه دوسال و نیم گذشته، بویژه اسناد به دست آمده در جاسوسخانه، این مسئله را با تمام روشنی تأیید کرده‌اند و ما امروز می‌بینیم که تمام تلاش دارو دسته‌های ضد انقلاب در داخل و خارج کشور، سرمایه‌داری لیبرال و روحانی‌نمایان وابسته به طبقات حاکمه ارتجاعی و گروه‌های سیاسی ساخته مافوقست و بازی خورده‌های گمراه به طور هماهنگ در همین جهت عمل می‌کنند. ما شاهد آن هستیم که تمام محافل اسلام آمریکایی در سراسر جهان، تمام دستگاه‌های امپریالیسم خبری «به طور یک صدا، ولی با سازهای رنگارنگ همین «هنگ» را می‌نوازند.

۲- ناتوان ساختن نیروهای راستین انقلاب از راه نفاق افکنی:

با بهره‌گیری از ضعف‌هایشان در زمینه انحصار طلبی و خودمحوری، با بزرگ کردن و دامن زدن به اختلاف‌نظرهای فرعی، شدت دادن به سوءنظرات متقابل. سخن کوتاه. به کار بستن شیوه چند هزارساله ارتجاعی، «جدا ساز، به جان هم انداز و فرمان‌روایی کن». باید بپذیریم که امپریالیسم جهانی، که در این میدان نبردها از تجربه‌های بزرگ تاریخی برخوردار است در برخورد با نیروهای جوان و کم‌تجربه انقلابی ما از تمام سطوح به کامیابی‌های چشم‌گیری دست یافته است. ما امروز به طور دردناکی شاهد این واقعیت هستیم که گردان‌های اصلی از نیروهای راستین جبهه ضد امپریالیستی به صورت دشمنان آشتی‌ناپذیر به جان هم

نورالدین کیانوری

هشت پادشاهی از میان ما دست

افتاده‌اند و امپریالیسم در جهت آماج اصلی خود اسلامی است، از این برخوردارها بهره‌گیری می‌نماید. تاریخ آینده نشان خواهد داد که آیا تنم طلبی عامل تعیین کننده برای کامیابی دسیسه‌ها و یا این‌که عوامل فریب‌کار و ماسک‌دار دشمن در اندرکار بوده و با ریختن نفت روی آتش نفاق رسانده‌اند:

امپریالیسم آمریکا توانسته است در این م آورد و عناصر سرسپرده خود را به میان گروه‌ها و زمینه مساعد دارند، وارد سازد و از دوطرف شتابان «اسلام آمریکایی و طاغوتی» را به چار «مارکسیست‌های سیاست» را علیه مسلمانان از را علیه مبارزان راستین مارکسیست انقلابی تم گروه‌ها را یا به نام «اسلام واقعی» علیه ارتجاع «التقاطی‌ها» بشویند و در تمام این جریانات - کرده و جنگ حیدری نعمتی به راه اندازد. ت القاء ایده‌ولوژی، یکی از مؤثرترین شیوه‌های کمونیسم ستیزی، شوروی ستیزی و «توده ستیزی» انقلاب ایران تبدیل شده است.

در سایه همین جو نفاق و چنددستی است به تحریک و تشدید تشنج برداخته‌اند و سرمایه شدنش از اهرم‌های اصلی قدرت بر او وارد شد، دفاع بی‌برده از جاسوس مانند امیرانتظام دوبار، به‌منظور همه این پدیده‌ها گوشه‌هایی از روایتان و به نمرساندن تخم‌های نفاق در میان است. اگر این نیروها و در درجه اول رهبران انشار فراگیرتر می‌شود، بی‌نبرند، ضربه‌پذیری انقلاب،

۳- تقویت همه‌جانبه عوامل موج‌نازه از نظام کنونی جمهوری اسلامی

یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین شکردهای امپریالیستی که برای به دست آوردن استقلال در گیری از همه امکانات برای ایجاد و گسترش نافر ضد امپریالیستی پشتیبانی می‌کند. نمونه‌های را ما در اندونزی، غنا و از همه بارزتر در شیلی و امپریالیسم امکانات نسبتاً وسیعی در اختیار دارد. های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و منا. سرمایه‌داران وابسته که هنوز بخت همی دارند و از پشتیبانی همه‌جانبه سرمایه‌داری لیبرال با احتکار، تقلب، گران کردن مصنوعی، ایجاد آ بار از دسترنج مردم را هر روز شدت می‌دهند و دیگر فشار محرومیت‌های روزمره را بر دوش محرو روستا روز به روز سنگین تر می‌نمایند.

بازماندگان ضدانقلاب که در دستگاه‌های کلیدی را در دست دارند، با تمام امکانات خود گونه تلاش نیروهای سالم انقلابی دستگاه دولتی ایجاد می‌نمایند.

خرا بکاری آگاهانه در جریان بازسازی اقتصاد تولیدی، دومین شیوه دشمنان انقلاب برای تشدید در این زمینه هم آمریکا با بهره‌گیری از مالکی و کلان سرمایه‌داری در دستگاه دولتی و جدا مخالف تثبیت و تحکیم و سمت‌گیری مردم گروهک‌های «سیا» ساخته، مافوقست و تروتسک از امکانات زیادی برخوردار است.

آمریکا توانسته است، هم به وسیله بخش مدیریت وهم از راه بهره‌گیری از بی‌تجرب و هم از راه فرستادن عناصر ضدانقلاب به دور بویژه در انجمن‌های اسلامی کارخانجات و وزارت از روند طبیعی بازسازی اقتصاد در چهارچوب امکا. در این میدان هم نفاق افکنی یکی از شیوه‌ها تا سف نیروهای جوان و انقلابی اسلامی به آسانی امام خمینی قبل از هر چیز ساواکی‌هایی را که به میان خود طرد کنند و از روش‌های نفاق افکنانه عناصر هوادار انقلاب را به نام توده‌های (چه نیستند) پاکسازی نمایند. این برخورد زیان‌ می‌رساند. یکی این که ساواکی‌ها و طاغوتی‌های عناصر وفادار به انقلاب را می‌راند و ناراضی می بازسازی اقتصاد را تسهیل می‌کند و آن را بیشتر به

۴- جلوگیری از اقدامات قاطع در جهت اقتصادی بسود محرومان جامعه

تلاش در تثبیت نظام غارتگر بزرگ‌مالکی، امپریالیسم آمریکا در سیاست کوتاه مدت ود از تلاش خود بسته است. گفتار ویلیام کیسی رئیس سالیانه اطاق بازرگانی آمریکا که در حقیقت مشخ کشورهای در حال رشد است باصراحت شگفت‌انگیز «عالی‌جناب» چنان‌که در روزنامه «جمهوری اسلا آمریکا تا آن اندازه به واردات مواد اول

آمریکا تبردار نیست

د، که متزلزل ساختن مجموعه نظام جمهوری
با عقب ماندگی سیاسی، بی تجربگی، انحصار-
ای امپریالیسم در این میدان نبرد بوده و هستند
یکی از دو طرف و یا در هر دو طرف دعوا دست-
و دودستی به بالاکشدن شعله های کسک

بدان جنبه های گوناگون "جنگ خانگی" بوجود
سیاسی که به علت بی تجربگی و یا کم تجربگی
های جنگ برادر کشی را دامن زند
مسلمانان پیرو راه امام خمینی بیندازد،
نقلابی تجهیز کند، انقلابیون راستین مسلمان
برک نماید، در درون صفوف مبارزان مسلمان
ع اسلام نما و یا در چهارچوب "مکتببین" علیه
لواکی ها و مائوئیست ها را با چماق و چاقو مجب
گرد قدیمی و هزاران ساله ارتجاع جهانی یعنی
مورد بهره گیری دشمنان انقلاب ایران است.
به مهم ترین جنگ افزار جبهه متحد براندازی

که عوامل ضد انقلاب با بی پروایی بی سابقه ای
داری لیبرال برای ترمیم شکستی که با برکنار
بود، دوباره با "توپخانه سنگین" تاحد
سر بلند کرده و به لشکر کشی پرداخته است.
کامیابی های است که "آمریکا" از گاشتن و
سروهای راستین ضد امپریالیستی به دست آمده
ن به ابعاد خطرناک این توطئه که هر روز دامن های
نکوهند ما هر روز بیشتر خواهد شد.

نهایتی مردم

آمریکا " برای ناتوان ساختن رژیم های ضد-
قبال نفوذ امپریالیستی قد علم می کند، بهره
آیتی توده های مردمی است که از این نظام های
سبار بارز این دسیسه ها و توطئه های امپریالیستی
هندوستان شاهد بوده ایم. برای این کار
و می تواند اهرم های بسیاری را در همه زمین-
سیات ملی به کار اندازد.
ز شریان های حیاتی اقتصاد کشور را در دست
ل و "اشاره ممتاز" فعال در اقتصاد برخوردارند
گمب و شگردهای دیگر از یک سو، غارت بی بند و
کیسه های خود را بازم پرتر می کنند و از سوی
مان جامعه و در درجه اول زحمتکشان شهر و

دولتی تا بالاترین سطوح هنوز مواضع بسیار
د این روند را پشتیبانی می کنند و در برابر
برای مقابله با این خرابکاری سدهای مصنوعی

د کشور و به راه انداختن کارخانجات و موسسات
د عوامل نارضایتی توده های مردم است.

عناصر لیبرال سازشکار و هواداران نظام بزرگ
تی در نهادهای حاکمیت جمهوری اسلامی که
ی انقلاب هستند، از یک سو و هم چنین از
یست و پیکاریست و "مارکسیست" های دیگر

عناصر هوادار خویش در دستگاه های دولتی و
بکی، انحصار طلبی و خود محوری مدیران تازه
ن نهادهای وابسته به نظام جمهوری اسلامی
بنخانبه ها و موسسات اقتصادی به میزان زیادی
نات موجود جلوگیری نماید.

نای رایج عناصر ضد انقلابی است که با کمال
در دامن می افتند و به جای آن که طبق رهنمود
درون خودشان رخنه کرده اند، بشناسند و از
آنان دوری جویند، بسیاری از فداکارترین
نودهای باشند و چه بسا که اصلا توده های هم

خش از دو راه به نقشه های امپریالیسم کسک
ریش گذاشته را در مقامات حساس تثبیت می کند،
تراشد و دیگر این که امکان تخریب در روند
ل طرف فلج شدن سوق می دهد.

نهایت دگرگونیهای اجتماعی

سرمایه داری وابسته

را از مدت، بزرگترین امید خود را به این بخش
بس سازمان جاسوسی جهانی "سیا" در جلسه
ص کننده سیاست جهانی امپریالیسم در مورد
زی این سیاست آمریکا را نشان می دهد. این
می "بازتاب یافت، چنین اظهار نظری کند:
یه از خارج وابسته شده که در صورت قطع آن

تولید بسیاری از صنوعات... متوقف خواهد شد... برای مثال در صورت قطع واردات مواد اولیه از کشورهای جنوب آفریقا لطمه و ضربه شدیدی به اقتصاد آمریکا وارد می آید.
وی همچنین تغییر بعضی منابع کنترل کننده اقتصاد جهان سوم از شیوه بازرگانی آزاد به دولتی را دلیل دیگری برای ازدیاد عدم دسترسی آمریکا به مواد اولیه مطلوب دانست و اظهار داشت گسترش بازرگانی دولتی در این گونه کشورها منافع آمریکا را به خطر انداخته است (نقل از جمهوری اسلامی ۶۵/۲/۱۰)

صاف و ساده "منافع آمریکا در ادامه" اقتصاد آزاد، یعنی سرمایه داری صاف و پوست کنده در کشورهای "دنیای سوم" است و هرگونه گرایش به تقویت بخش دولتی در این کشورها "منافع آمریکا" را به خطر می اندازد.

به این ترتیب خیلی آسان می توان پیاده کنندگان سیاست دفاع از "منافع آمریکا"، دشمن شماره یک خلق های محروم جهان را در ایران شناخت. این پیاده کنندگان همان هایی هستند که طبق محاسبه رئیس کمیسیون اقتصاد و دارائی مجلس در سال ۱۳۵۹ لاقال ۱۲۰ میلیارد تومان از ثروت ملی و محصول دسترنج زحمتکشان مبین ما را غارت کرده اند و لاقال همین قدر هم به جیب حامیان "اقتصاد آزاد" خود در کشورهای امپریالیستی سرازیر ساخته اند. دشمنی کین توزانه محافل سرمایه داری لیبرال ایران، تجار بزرگ، کارخانه داران و دلالان و بساز و بفروش ها و سفته بازی را با ملی کردن تجارت خارجی هم باید در همین چهارچوب منافع "آمریکا" جا داده شود.

عینا همین طور است تلاش محافل معینی برای جلوگیری از اصلاحات ارضی به سود توده های محروم دهقانان بی زمین و کم زمین و به طور مشخص تلاش برای جلوگیری از اجرای بندهای "ج" و "د" از قانون واگذاری زمین که به تصویب شورای انقلاب رسیده است.

در این زمینه "آمریکا" علاوه بر مدافعان بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری و اقشار ممتاز بینایی، روی آن بخش از روحانیت که با خود از بزرگ مالکان هستند و یا از راه های گوناگون با بزرگ مالکی و سرمایه داری رابطه ناگسستی دارند و به طور عمده تکیه گاه "مذهبی" نظام آریامهری بوده و با انقلاب هرگز آشتی نکرده اند، حساب می کند.

با این تلاش امپریالیسم و ضد انقلاب از یک سو قشر وسیعی از محرومان جامعه را که با آرزوی آزاد شدن از غارت بزرگ مالکان برای پیروزی انقلاب جانفشانی کردند و امروز با جان و دل از انقلاب پشتیبانی می کنند، دچار ناامیدی و سرخوردگی می کند و از طرف دیگر با نگهداری بزرگ مالکی، یکی از پایه های عمده نظام سرمایه داری آزاد مورد علاقه خود را تثبیت می نماید، نظامی که خواه ناخواه، در وابستگی به اقتصاد امپریالیستی باقی خواهد ماند.

دور ساختن انقلاب ایران از دوستان طبیعی اش در جهان

یکی از موبانه ترین و مؤثرترین شگردهای امپریالیسم در میدان مبارزه با جنبش های رهایی بخش ملی، جدا کردن این جنبش ها از دوستان و پشتیبانان نشان در جهان است که این خود بخشی از همان سیاست کلی "جدا ساز"، "به جان هم انداز" و "فرمانروائی کن" می باشد. دو سند گویا از امپریالیسم اکنون در اختیار است. یکی اعترافات کیسینجر و دیگری رهنمود برزیسکی به وزارت خارجه آمریکا.

کیسینجر صهیونیست خطوط اساسی سیاستی را که امپریالیسم آمریکا در زمینه سرکوب جنبش رهایی بخش خلق های عرب در خاور نزدیک در پیش گرفته بود با تمام صراحت این طور بیان می کند:

"ما... از ثروت های نهفته در کشورهای عربی چشم نخواهیم پوشید."

"سیاست من همچنان بر مبنای تیره کردن روابط شوروی و اعراب بنا شده بود. فلسفام این بود که زمانی که شوروی از اعراب دست بکشد، ما قادر خواهیم بود مسئله صلح در خاور میانه را پیش بکشیم و در راه آن عمل کنیم." (از مجله "میدل ایست"، مارس ۱۹۸۱)

برزیسکی هم در رهنمودش از طرف کارتر به وزیر خارجه عین همین سیاست را پیاده می کند و می گوید:
"لازم است جو سوء ظن و عدم اعتمادی را که بین ایران و همسایگانش وجود دارد، مورد بهره برداری قرارداد. رئیس جمهور معتقد است که پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خمینی، خصوصا توسط اتحاد جماهیر شوروی، حتما به تضعیف مواضع سیاست خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد."

این است ستون فقرات سیاست آمریکا و تمامی امپریالیسم در زمینه سرکوب جنبش های ضد امپریالیستی در سراسر جهان، جدا کردن این جنبش ها از پشتیبانان طبیعی شان و در درجه اول از اتحاد شوروی که مهم ترین پایگاه جبهه جهانی نیروهای ضد امپریالیستی است.

این تلاش در عین حال که به طور عمده در مورد مناسبات با اتحاد شوروی انجام می گیرد، به هیچ وجه از ایجاد سوء تفاهم و دشمنی و عداوت میان خود جنبش های رهایی بخش و بین آن ها و سایر گردان های ضد امپریالیستی و دولت هایی که مواضع ضد امپریالیستی دارند، چشم نمی پوشد.

نمونه بارز این تلاش مزورانه امپریالیسم آمریکا را در کوشش های این امپریالیسم و وابستگان و سرسپردگان و "دوستان" آن در ایران در زمینه تیره کردن روابط میان ایران انقلابی و کشورهای عربی و جنبش فلسطین می توان مشاهده کرد.

در میان اسناد منتشره در دهه نهمین جزوه افشاکری دانشجویان مسلمان پیرو خط امام شواهد بسیار گویایی در این زمینه ارائه شده است. به چند نمونه زیر توجه کنیم:

۱- سپس انتظام موضوع صحبت را عوض کرد و گفت: نهضت آزادی مایل است که با یک هیئت آمریکائی ملاقات کند برای مذاکره در مورد منافع آمریکا و ایران... (تاکید از ماست- افشاکری شماره ۱۰، صفحه ۳۲)

همانجا در صفحه ۱۱۴ از گفتگوی انتظام با وزیر مختار آمریکا در استکهلم:
"انتظام به بدگمانی رهبران انقلاب نسبت به اتحاد شوروی اشاره نمود... در عین حال سفیر شوروی فعال ترین شخص در تهران است. روزانه از موسسات دولتی با پیشنهادات هر نوع کمک دیدن می کند. او مداوم پس زده می شود، ولی دوباره پدیدار می شود تا دوباره کوشش کند..."

همانجا در صفحه ۹۴، از گزارش لینکن، وزیر مختار آمریکا در تهران به وزارت خارجه آمریکا (۱۸ مرداد ۵۸):

۲- مبادله اطلاعات بین امپریانتظام و کارشناس خدمات خارجی استمپل درست همان چیزی است که ما انتظار داشتیم، بخصوص در مورد مطالبی که انتظام قبلا به ناس و من اشاره کرده بود. فکرمی کنم که بخواهیم این موضوع آزمایشی را با دقت دنبال کنیم و اولین ملاقات را طوری ترتیب دهیم که حاکی از حسن نیت تمام باشد...

۳- ما فکرمی کنیم که در ملاقات های اولیه تاجائی که ممکن است باید به دولت موقت تاکید کنیم که تهدیدات داخلی ایران کاملا از پشتیبانی کشورهای خارجی برخوردار است. و طوری وانمود کنیم که ما را از آشوب های داخلی دولتی و کشوری میرا سازد.

۴- احتمالا شروع کار مشکل خواهد بود، ولی ما باید سعی کنیم در این آزمایش بعضی از اطلاعات نیز در عوض به آمریکا داده شود. مثال: روش دولت موقت نسبت به عراق، پشتیبانی ایران از شورشیان افغانستان، روش روسیه در روابط مستقیم با دولت موقت، حزب توده و غیره. از این سند به خوبی می شود که "مبادله" اطلاعات که آقای مهندس بازرگان در دفاع خود از امپریانتظام در اولین جلسه محاکمه نامبرده رویش تکیه می کرد، در چه چهارچوبی بوده است: از طرف آمریکا دادن خبرهای ساختگی برای تیره کردن روابط ایران با اتحاد شوروی، لیبی، جنبش فلسطین و افغانستان و از طرف دولت موقت، دادن اطلاعات در زمینه مناسبات اتحاد شوروی با دولت ایران، فعالیت حزب توده، ایران و کمک دولت ایران به شورشیان افغانستان، یعنی هر آنچه در جهت منافع آمریکا در منطقه بوده است. بی جهت نیست که آقای لینکن از پیشنهاد امپریانتظام برای "مبادله" اطلاعات "آنچنان دچار عسف شده می نویسد" "این همان چیز است که ما انتظار داشتیم". همانجا در صفحه ۱۱۱ درباره اولین دیدار امپریانتظام

با وزیر مختار آمریکا در سوئد (۹ اکتبر ۱۹۷۹):

وی (امپریانتظام) به تفصیل تأسف خود را از کوتاهی آمریکا در اتخاذ اقدامات عملی ابراز نمود. اقداماتی که بلافاصله باعث بهبود روابط دو جانبه شود و بازرگان و اطرافیان او مثل امپریانتظام را که علی رغم "امتناعات آمریکا" هنوز با اصرار هر چه تمام تر طرفه افروغ هستند تقویت کند. و به تدریج تحریکات ضد آمریکائی آیت الله خمینی را... ملایم کند.

بلی، دولت موقت. از آمریکا کمک می خواهد برای "ملایم کردن تحریکات ضد آمریکائی آیت الله خمینی". این آقایان هنوز آن قدر گستاخند که خود را مبین پرست، انقلابی وضد آمریکائی هم معرفی می کنند. از همان کتاب، صفحه ۶۴، از نامه سری "ناس" به مرکز سیا در واشنگتن:

"در ملاقات کاردار با انتظام یک بار دیگر علاقه دولت ایران به مبادله اطلاعات ابراز گردید. همان طور که اطلاع دارید، قبلا ما به او متنی در مورد افغانستان دادیم. در ملاقات ۲۴ مه انتظام گفته بود که این اطلاعات مفید واقع شد، ولی دولت موقت بیشتر به ناآرامی های امنیتی داخلی را به خطری اندازد علاقه دارد، در ملاقات ۲۶ مه افزود که دولت موقت نگران مداخله عراقی ها در خوزستان و فعالیت فلسطینی ها و لیبیائیهاست."

درست توجه کنیم امپریانتظامها از آمریکا، از آمریکای دشمن شماره یک انقلاب ایران و انقلاب فلسطین می خواهند که درباره اقدامات خصمانه جنبش رهایی بخش فلسطین و دولت لیبی که از اولین روز انقلاب ایران تمام نیروی خود را در راه پشتیبانی از آن به کار انداختند گزارش و اطلاعات بدهد.

نمایندگان "سیا" آمریکا هم که می دانند با وجود امپریانتظامها چه "گنجینه" ای در مرکز حاکمیت ایران دارند، فورا دست به کار تدارک "اطلاعات" لازم می شوند.

از همان کتاب صفحه ۶۶، از نامه سفارت آمریکا در لیبی به وزارت خارجه آمریکا (۳ ژوئن ۱۹۷۹):

"در یافت نسخه ای از هر گونه گزارشی که درباره فعالیت های خرابکارانه لیبی در ایران که برای ارائه کردن به انتظام تهیه شده باعث تشکر و قدردانی است. از آنجائی که به نظر می رسد مسئله لیبی حتما در مذاکراتی که در تهران با انتظام در پیش است مطرح خواهد شد، دریافت نظریات معاون نخست وزیر در مورد مسافرت جلود به ایران و توضیحات لیبی در مورد وضعیت امام موسی صدر موجب امتنان و سپاس خواهد بود."

این فعل و انفعالات درست در زمانی انجام می گیرد که دولت لیبی با فرستادن نخست وزیر خود به تهران همه امکانات خود را برای پشتیبانی از انقلاب ایران در اختیار می گذارد و امروز علی رغم همه تحریکات خائنه ای که از طرف ستون پنجم آمریکا در ایران انجام گرفت، شاهد صدقات این موضع گیری برادرانه می باشیم.

و اما درباره تیره کردن مناسبات با اتحاد شوروی، مسلما اسناد گران بها و شواهد به مراتب گویاتری از آنچه در این مجموعه آمده است، وجود دارد که امیدواریم بعدا منتشر گردد. ولی یکی از این اسناد گوشه ای از این تحریکات را نشان می دهد. از همان کتاب صفحات ۱۲۴ و ۱۲۵ از گزارش هیئت درباره ملاقات دوساعته با امپریانتظام و ابراهیم یزدی. در این ملاقات قرار بوده مصطفی چمران هم حضور داشته باشد. (روز ملاقات ۱۵ اکتبر ۱۹۷۹، ۲۶ مه ماه ۱۳۵۸)

۳- هم امپریانتظام و هم یزدی به نظرمی رسد که از ملاقات با کیو و اسمیت راضی بودند. یزدی خصوصا نسبت به خلاصه ای که در مورد مسائل انرژی آمریکا بوده خیلی علاقمند بود. ولی از تائیدی که فسخ کردن قرارداد گاز شوروی بر روی برنامه های انرژی شوروی می گذارد بی خبر بود... او همچنین نگران اتفاقات سیاسی که به خاطر این که شوروی بین ۸۱-۸۳ وارد کننده نفت خواهد شد، ممکن بود صورت گیرد نگران بود و می پرسید منتظر چه جور فشارهائی باید باشد. او اشاره کرد که نظرات شوروی اخیرا خیلی دوستانه بوده."

به "اطلاعاتی" که طرف آمریکائی به هواداران نزدیکی به آمریکا در ایران می دهد و در همین نامه به آن ها اشاره شده، توجه کنیم:

"در مورد این که روس ها وقتی که با نیاز وارد کردن نفت روبرو می شوند ممکن است چکار کنند موضعی که از طرف آمریکا گرفته شد این بود که:
اساسا ما علاقمند به بیان اطلاعات و واقعیات هستیم. ایرانیان خودشان باید نتیجه گیری کنند. ما به یزدی خاطر نشان ساختیم که برای روس ها خیلی مشکل خواهد بود که پول نفت را در ارز قوی بدهند، چون این جلو پیشرفت اقتصادی را می گیرد. در حال حاضر ۴٪ از درآمد تبدلات ارزی شوروی از نفت می آید و نتیجتا از دست دادن چنین درآمدی ضربه سهمگینی به برنامه اقتصادی آن ها خواهد بود. مسئله ای که این موضوع را حاد می کند این است که این ضربه نسبتا زود می آید. اول ما فکرمی کنیم روس ها سعی خواهند کرد که نفت را در شرایط سهلی بخرند و احتمالا روی ایران فشار خواهند گذاشت تا با چنین قراردادی موافقت کند."

حتی برای کسانی که کمترین اطلاعی از اوضاع دنیا داشته باشند، قابل فهم است که این "اطلاعات گران بها" سر تا پیش ساختگی است. زیرا با کمترین اطلاع از واقعیت ذخایر انرژی جهان می توان دانست که اتحاد شوروی از لحاظ انواع مواد خام و امکانات داخلی تهیه همان طور که اتحاد شوروی بارها رسما اعلام کرده است، نه تنها احتیاجی به وارد کردن مواد انرژی را ندارد، بلکه هم اکنون خود یکی از صادر کنندگان بزرگ این گونه مواد می باشد و این وضع در آینده نیز در همین جهت گسترش خواهد یافت. از مطالعه برنامه ۵ ساله ۱۹۸۱-۱۹۸۵ در زمینه رشد انرژی در اتحاد شوروی و در سایر کشورهای سوسیالیستی حتی هر کرم سودی هم می تواند به این نتایج برسد. ولی امپریانتظامها و همپالکی هایشان که خود خوب به این واقعیت آگاهند، از این "اطلاعات گران بها" مقامات آمریکائی برای ترساندن نیروهای سالم و کم آگاه در حاکمیت جمهوری اسلامی و اقدام در جهت مورد علاقه امپریالیسم جهانی استفاده می کردند. بد نیست توجه شود که جریان قطع صدور گاز به اتحاد شوروی که در جلسه ۲۶ مه ماه ۱۳۵۸ میان آقایان امپریانتظام- ابراهیم یزدی و نمایندگان سفارت آمریکا و سازمان سیا، لینکن و کیو و اسمیت مورد مشورت و "مبادله" اطلاعات "قرار گرفته است، چند ماه بعد، یعنی در تاریخ ۲۸ اسفند ماه ۱۳۵۸، درست در همان روزهایی که صادق قطب زاده تمام استعداد خود را در تیره ساختن روابط ایران و اتحاد شوروی و تدارک زمینه برای گرفتن کروگان های آمریکائی از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و کشاندن سیاست خارجی ایران در راه سازش و تسلیم به آمریکا به کار انداخته بود، به وسیله معین فز عضو فعال رهبری "نهضت آزادی" و وزیر دولت گام به گام به مرحله اجرا درآمد. خط قرمز ارتباط منطقی بین همه این رویدادها حتی برای ساده بین ترین چشمها قابل دیدن است.

اما "اطلاعات آمریکا" درباره تحریکات عراق علیه انقلاب اسلامی از همه جالب توجه تر است. موضع گیری دارودسته صدام حسین علیه انقلاب ایران از همان آغاز سازش صدام و محمد رضا پهلوی آغاز گردید. گردش آشکار ارتجاعی دولت عراق هم از همین دوران آغاز می گردد. پس از پیروزی انقلاب دشمنی صدام با ایران هر روز آشکارتر و فعال تر می گردد.

اطلاعات علنی و مخفی که در اختیار دولت موقت بود، این واقعیت را بدون خدشه ثابت می کرد و به علاوه نشان می داد که عراق در این زمینه از طرف آمریکا و اسرائیل و همسه امپریالیست ها، همان طور که اکنون شاهدش هستیم، پشتیبانی می شود. این شناخت در گزارش سفارت آمریکا در تهران به وزارت خارجه آمریکا انعکاس یافته است.

از همان نامه پیش در کتاب دهم افشاکری ها، صفحه ۱۲۵:

۹- یزدی قانع شده بود که یک پشتیبانی قوی خارجی برای آشوب کردها وجود دارد. او وضع آنجا را وخیم توصیف کرد. دولت ایران اطلاعاتی داشته که به نظرشان قابل اعتماد بود. مبنی بر این که آمریکا و اسرائیل هم با عراق در اخلاص هم دست بوده اند. کاردار سعی زیادی کرد که نشان دهد آمریکا منافع خیلی کمی در کمک به شورشیان کرد دارد...

بقیه در صفحه ۶

هشت پای آمریکا از میهن ما دست بردار نیست (بقیه)

بقیه از صفحه ۵

ضد انقلاب ۲ پاسدار زادر بندر عباس تور کرد

چند روز قبل در خیابان آیت الله غفاری بندرعباس، موتورسواری که يك مسلسل یبوزی بپناه داشت، دو پاسدار بنامهای صد شمشیری و سقایی را مورد حمله قرار داد و بسوی آنها شلیک کرد و گریخت. در اثر این سوء قصد، پاسدار سقایی به شهادت میرسد و صد شمشیری به شدت زخمی میشود که حال وی وخیم است. در این واقعه همچنین يك پس ۱۳ ساله نیز مورد اصابت گلوله قرار میگیرد، که حالش بد نیست.

ضارب فروشندة «نامه مردم» در دامغان را مجازات کنید

رفیق علی بنزاده، یکی از هواداران حزب توده ایران در دامغان، در اواسط اردیبهشت ماه جاری، هنگام فروش «نامه مردم» مورد ضرب و شتم قرار گرفت و مجروح شد. ضارب، که حاج محمد ذراغ نام دارد، یکی از ملاکین دامغان است، که قصایب نیز دارد و از عناصر شرور این شهر محسوب میشود. وی پس از حمله به فروشندة «نامه مردم»، روزنامههای وی را نیز پاره کرد. این موضوع برای رسیدگی به مقامات انتظامی شهر دامغان اطلاع داده شده است.

نوع جدید قاچاق!

عدهای از عوامل ضدانقلاب در سیستان و بلوچستان، تحت پوشش خلبانی، با استفاده از امکاناتی که از این راه در اختیار دارند، به قاچاق مباردت می کنند. گفته میشود که مازحه اینها فردی است که در زمان رژیم سابق نیز از قاچاقچیان حرفهای بود و سینه هویامهای دولتی هروئین، تریاک و حبشش وارد می کرد. وی پس از انقلاب پاکستان، شد، ولی مجدداً به سرکار خود بازگشت و اینک با استفاده از امکانات مختلف مانند بربودی از کنترل چمدانها و ساکها، که خاص تمام خلبانها است، بهرول گذشته به قاچاق مشغول است. وی علاوه بر مواد مخدر و وسایله صوتی مانند رادیو، نیز از بندر چابهار به تهران حمله میکند و با میالغ هنگفتی فروش می رساند.

ما ضمن هشدار به مسئولین هوایی کشور در مورد وجود چنین افرادی، از آنها می خواهیم که هر چه زودتر به این مسئله رسیدگی کنند.

های "سیا" ساخته و وابسته به سازمان های جاسوسی امپریالیستی - صهیونیستی، به ویژه گروهک های مائوئیست مانند "رجبران" و نظائرشان. در دوسال و چند ماهی که از پیروزی انقلاب می گذرد مردم ایران شاهد فعالیت خرابکارانه این نیروها بوده و چندین بار توطئه های خطرناک آنان را که توطئه کودتای نوزدهم بهرترین آن بود، سرکوب کرده است. امروز این نیروهای ضدانقلابی در داخل کشور از هر وقت در گذشته سازمان یافته تر و فعال تر و بی پروا تر شده و با تمام نیرو در جهت ناتوان ساختن انقلاب عمل می کنند. شیوه های انحصار طلبانه و غیردموکراتیک افشار انحصار طلب در حاکمیت کنونی جمهوری اسلامی، امکانات وسیعی را در اختیار این نیروهای ضدانقلابی گذاشته و می گذارد تا با بهره گیری از این امکانات با تظاهر به قشری گری و مکتبی بودن، با گذاشتن ریش و گرفتن تسبیح همه جنایات خود را علیه نیروهای اصیل هواداران انقلاب زیر پوششی از تظاهر به مذهب مخفی سازند. بدون تردید این یکی از مهم ترین میدان های است که "آمریکا" توانسته است با بهره گیری از اشباحات قشر قابل توجهی از حاکمیت جمهوری اسلامی پیشرفت های جدی بنماید. کم بهادادن به امکانات دشمن در این میدان نبرد تاکنون زبان های بسیار برای تثبیت انقلاب داشته و بدون تردید در آینده با زهم می تواند سرچشمه تهدیدهای خطرناک تر باشد.

۷- اعمال فشار سیاسی - اقتصادی، نظامی و تبلیغاتی از خارج

هفتمین شیوه مبارزه "آمریکا" علیه انقلاب ایران تدارک و اعمال فشار اقتصادی و سیاسی و نظامی از خارج است. "آمریکا" با تجربه ای که از ضربات کوبنده انقلاب مردمی ایران بدست آورد (چه در مبارزات رودررویی با رژیم سرنگون شده و چه در عقیم گذاشتن توطئه های رنگارنگ نیروهای ضدانقلاب در دوران دوسال و اندکی که از انقلاب می گذرد) به این نتیجه رسیده است که با ریشه عمیقی که انقلاب ایران در میان توده های ده ها میلیونی زحمتکش شهر و روستا دارد و با آگاهی و روشن بینی نیروهای انقلابی در مورد شناخت دشمن اصلی انقلاب یعنی امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا، امکانات داخلی نیروهای ضدانقلابی و سازشکار و تسلیم طلب برای سرکوب انقلاب ایران بسنده نیست. و تنها شانس برای دشمنان انقلاب ایران این است که بتوانند امکانات داخلی را با فشارهای هم جانبیه از خارج تلفیق نمایند.

در دوسال اخیر ما شاهد این فشارها بودیم. فشارهای اقتصادی از همان فردای پیروزی انقلاب آغاز گردید و بویژه پس از اشغال مرکز توطئه امپریالیسم آمریکا در تهران به اوج خود رسید و هنوز با وجودی که مدت ها است جاسوسان آمریکائی آزاد شده اند، به اشکال مختلف ادامه دارد. درست است که این فشارهای اقتصادی نتوانسته انقلاب ایران را از پای در آورند، ولی تردید نیست که مشکلات جدی در راه تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب ایجاد کرده اند.

همین طوارست طیف وسیع فشارهای سیاسی و تبلیغاتی در سراسر جهان علیه ایران. کافی است یادآور شویم که هم اکنون بیش از ۱۵ ایستگاه رادیویی نیرومند وابسته به امپریالیسم و نیرومندترین خبرگزاری های جهان وابسته به امپریالیسم و صهیونیسم، به طور پیگیر علیه انقلاب ایران، نه تنها به زبان فارسی در جهت شنودگان ایرانی بلکه به همه زبان های جهان در جهت همه مردم گیتی مشغول سم پاشی و دروغ سازی علیه انقلاب ایران هستند.

از اینها گذشته تدارک فشارهای نظامی از طرف امپریالیست ها، که از همان فردای انقلاب آغاز شد، مهم ترین تدارک برای وارد آوردن ضربه نهایی به انقلاب ایران است. ما امروز دیگری داریم که تمرکز بی سابقه "نیروهای نظامی آمریکا" و هم دستانش، تجهیز بی سابقه قدرتهای ارتجاعی در ترکیه، مصر، اسرائیل، عربستان سعودی، عمان، اردن و پاکستان کوچکترین ارتباطی با مسئله گذرای اشغال جاسوخانه آمریکا در تهران نداشته و تنها هدف این اقدامات تامین منافع متزلزل شده امپریالیست های جهانی در منطقه کشور است که در پی انقلاب های مردمی در افغانستان و ایران به خطر افتاده است. هدف این تمرکز و تجهیز بی سابقه تنها و تنها سرکوب این دو انقلاب در منطقه بسیار حساس است.

همان نیروهایی که در کردستان و بلوچستان ایران گروه های ضدانقلابی را تجهیز کرده و جنگ برادرکنی را به راه می اندازند، در افغانستان هم ۶ گروه از ۶۵ گروه افغانی را اداره کرده و تجهیز می کنند.

تمرکز بیش از ۶ ناو جنگی، ایجاد پایگاه های نظامی امپریالیستی در مصر، عربستان، اردن، عمان، ترکیه و پاکستان، کوشش در ایجاد یک پیمان تجاوزکارانه نظامی به جای پیمان دریده شده سنتو، سرازیر کردن مقادیر بی سابقه تسلیحات به پاکستان و ترکیه و همراه با ارسال این تجهیزات اعزام گروه های بزرگی از جاسوسان و مستشاران، ایجاد اردوگاه های تربیت خرابکاران علیه انقلاب ایران و انقلاب افغانستان در پاکستان و عمان و مصر . . . همه و همه اجزاء یک نقشه درازمدت برای درهم شکستن و یالاقل ناتوان ساختن انقلاب های ایران و افغانستان است که خود جزئی از نقشه جهانی امپریالیسم برای "مهازیدن" به سیل عظیم و نیرومند و در حال رشد جنبش های رهائی بخش ملی است، سبیلی که عمده ترین پایه های سلطه غارتگرانه سرمایه داری انحصاری امپریالیستی را به خطر جدی انداخته است.

تدارک و اجرای تجاوز نظامی عراق که درهما هنگی کامل میان دارودسته صدام و ارتجاع فراری ایران و کشورهای ارتجاعی منطقه زیر رهبری مستقیم آمریکا عملی گردید، گوشه ای از این نقشه اعمال فشار نظامی از خارج به انقلاب ایران است، این توطئه با شکست روبرو شد. ولی آمریکا و تنها آمریکا بود که از آن سود فراوان برد. زیرا با این توطئه بردشوارهای سنگین بازسازی و نوسازی اقتصاد ایران به میزان بسیار زیادی افزوده شد. این همان نقشه ناتوان ساختن جمهوری اسلامی است.

آمریکا و دستیارانش در ایران در این توطئه نیز مانند توطئه های نیروهای ضدانقلابی در کردستان و بلوچستان کوشیدند، تا آنجا که قدرت و امکان دارد، ارتباط خود را با این توطئه مخفی سازند و برعکس درست همان طور که امیرانتظام سفارش داده بود، تجاوز عراق را در ارتباط با سیاست کشورهای سوسیالیستی و با زهم در درجه اول اتحاد شوروی جا بزنند. خوب به خاطر داریم که بسیاری از مسئولین نظامی و غیرنظامی دولتی و مطبوعات و رادیو و تلویزیون در ایران، بخشی آگاهانه و بخشی در دام افتاده، با وجود این که مسلم بود که با آغاز تجاوز عراق به ایران اتحاد شوروی از تحویل هرگونه سلاح به عراق خودداری کرده است، در صحبت ها و اظهارات خود، آمریکا و ارتجاع منطقه را فراموش کرده و عمداً یا سهواً خواست امپریالیسم آمریکا را بازتاب می دادند. ولی زندگی این با زهم حقیقت را آشکار کرد و روسیاهی بر چهره تیرم دلان باقی ماند. امید است این درس تاریخی دردناک برای عناصر حاکمیت حسن نیت میهن دوست و هواداران انقلاب در همه سطوح جامعه به اندازه کافی آموزنده باشد.

دوم - در مورد انقلاب افغانستان

سیاست امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در مورد انقلاب افغانستان با دقتی حیرت انگیز بر روی گرده همان سیاستی تنظیم شد که در مورد انقلاب ایران ترسیم گردیده است.

درست است که از لحاظ اهمیت اقتصادی و سوق الجیشی و سیاسی بین ایران و افغانستان ناهمگونی هایی در این جهت یا آن جهت وجود دارد، ولی این دو کشور در مجموعه استراتژی امپریالیسم در منطقه موضع نزدیکی به یکدیگر را اشغال می کنند. تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب در ایران و افغانستان با تفاوت های کمی در این آن سو در جهت متزلزل ساختن پایه های حاکمیت غارتگرانه و استیلاجویانه امپریالیسم در منطقه اثر می گذارد و از این جهت این دو انقلاب به طور هم سازی مورد هدف کین توازنه همه دسائس امپریالیسم قرار گرفته اند. توطئه ها و دسائس و شیوه های عمل "آمریکا" هم در مورد هر دو انقلاب، به استثنای برخی

بقیه در صفحه ۳

علاقه عمده آمریکا در ایران این است که نفت جریان داشته باشد. هر وضعی در ایران که این جریان را تهدید کند، به ضرر منافع و علائق آمریکا خواهد بود. ما سعی کردیم که مسخره گی مسئله دخالت اسرائیل با عراق را در نظر بگیرد. . . . آیواقعا "مسخره" است که انسان تصور کند آمریکا و اسرائیل از تحریکات عراق علیه انقلاب ایران پشتیبانی می کنند؟!

در این مورد یک سؤال پیش می آید: چرا دولت موقت هرگز این گونه اطلاعات موقت را که اسرائیل و آمریکا و عراق در تحریکات گروه های ارتجاعی و ضدانقلابی در کردستان دست داشته اند، به گوش مردم ایران نرسانند؟ دولت موقت نه تنها این کار را نکرد بلکه برعکس با تمام نیرو به تبلیغ این دروغ بزرگ پرداخت که گویا رویدادهای کردستان به تحریک کشورهای سوسیالیستی انجام می گیرد. ولی چرا این طور تبلیغ می شد؟ پاسخ این چرا را شاید از نامه زیر بتوان دریافت.

از همان کتاب صفحه ۷۹-۸۰، نامه سفارت آمریکا در تهران به واشنگتن - علاقه امیر انتظام به اطلاعات مشترک (۵۸/۴/۱۸): . . . انتظام در برخوردش با من گفت که نگرانیش مربوط به وضعیت رهبران بغداد و شوری نسبت به ایران می باشد و براین تأکید کرد که معتقد است این یکی از نکات منافع مشترک (!) بین دولت موقت و آمریکا است. . . . گفتیم که ما این مسئله را بررسی خواهیم کرد تا به بنیمن آیا در موقعیتی هستیم که اطلاعات دقیق تری بدهیم.

ع- من راهنمایی وزارت را در این مورد خواستارم - از نقطه نظر منافع ما در اینجا جواب مثبت می تواند عواقب سودمندی داشته باشد - سهمیم کردن دولت موقت در ارزیابی های ما از وضع عراق می تواند معرف این باشد که آمریکا همان طور که می گوید توجه زیادی به ثبات در منطقه خلیج فارس دارد (!!)

فرض کنیم می توانیم خبرهائی بدهیم مبنی بر این که عراق قصد جنگ ندارد و به این مسائل تعادل بخشیم، این ممکن است مواضع مینا نیروی را تقویت کند. ۷- . . . ترجیحاً، می توانیم از پیشنهاد امیرانتظام در مورد ارتباط با یزدی استفاده کنیم. . . . او کسی است که می تواند برای توسعه روابط مطمئن مفید واقع شود. . . . ۸- با گفتن تمام این من تشخص می دهم که منافع وسیع تری مطرح است، هم چنین

منافع ما در عراق. با وجود این به نظر من ما می توانیم منافع خود را در اینجا تضمین کنیم و در عین حال در مورد عراق نیز در این مورد خاص ضرر نخواهیم کرد.

۹- اما در مورد اطلاعاتی که ما مبادله می کنیم می تواند از نوع ارزیابی های ۲۱ ژوئن ۱۹۶۲ بغداد باشد. البته باید به صورتی که لازم است سانسور شود. ولی در مورد نقل و انتقالات نیروهای عراقی و توانائی آنها از حیث بساطت بیشتری برخوردار است. ولی در این مورد نیز ممکن است مواردی وجود داشته باشد که تبادل آنها در منافع ما باشد.

امید است خواننده گرامی نمک این دسیسه را درست چشیده باشد. "انتظام" گزارش می دهد که در مقامات حاکمه ایران نسبت به نقشه های تجاوزکارانه از سوی عراق "نگرانی هایی وجود دارد. طرف آمریکائی خوب می فهمد و به وزارت خارجه توصیه می کند خبرهائی بدهیم که عراق هیچ خیال توطئه علیه ایران ندارد، یعنی "سوده بخوابید تا تدارک حمله و تجاوز کاملاً دیده شود و لحظه مناسب برای آن برسد."

واقعا هم باید گفت که این "اطلاعات گران بها" تا چه حد اثربخش کننده در سیاست بخشی از مقامات مسئول کشور داشته است - امروز دیگر روشن شده است که در ماه های قبل از تجاوز عراق ده ها و ده ها خبری که درباره تدارک نظامی عراق علیه ایران رسیده بود، ارتباط این نقشه خائنه را با آمریکا، رهبر امپریالیست ها و ارتجاع منطقه، کاملاً تأیید می کرده است. معذالک توجیه "سوده بخوابید" آمریکا حتی تا یک سال پس از اشغال لانه جاسوسی و کشف همه این اسناد خیانت، تأثیر تعیین کننده خود را در تصمیمات بقایای دولت موقت کاملاً بجا گذاشته بود.

سخن کوتاه. سیاست "آمریکا" و سرسپردگان و یاران و هوادارانش در ایران از همان آغاز انقلاب این بوده که با بهره گیری از هرامکان، از هر تقلب و جعل و تزویر و دروغ سازی بی شرمانه (ناجاشی که حتی ادعا شود "روزنامه" مردم در سفارت شوری در تهران به چاپ می رسد!) مناسبات انقلاب ایران را با تمام پشتیبانانش در جهان، یعنی کشورهای سوسیالیستی، جنبش های رهائی بخش ملی، کشورهای ضد امپریالیست "جهان سوم" و جنبش انقلابی کارگری کشورهای رشد یافته و البته پیش از همه و بیش از همه با اتحاد شوروی تیره سازد و در سایه این تیرگی، موفقیت توطئه های شیدانه خود را تامین نماید.

رپایان این بخش توجه به یک سند دیگر از این افشاگری ها بسیار جالب توجه است: همان کتاب صفحات ۱۱۸ و ۱۱۹، گزارش مکالمه کاردار سفارت آمریکا با امیرانتظام (۵۸/۷/۲۲):

۷- در این حال بارها مکالمه بر می گشت به مسئله تجهیزات نظامی و هر وقت کاردار می خواست توضیح دهد که چه کارهائی تا به حال انجام شده با این جواب انتظام روبرو می شد که آمریکا باید خود را بیشتر مایل جلوه دهد، خصوصاً او درخواست یک نامه ای را کرد که در آن مشخص شود که در چه مواردی دولت ایران خودش باعث تأخیر در دریافت این تجهیزات شده است (سفارت مشغول تهیه خلاصه ای از این است) . . .

امید است خواننده چندبار جملات بالا را خوانده باشد و توجه کرده باشد که طبق گفتار آقای بازارگان، امیرانتظام که همه اقداماتش با نظر رئیس دولت موقت انجام می گرفته به آمریکا ها راه نشان می دهد که چگونه برای انداختن تقصیر به گردن دولت ایران پرونده سازی نمایند.

در جای دیگر این گزارش گفته شده است: "انتظام تکرار کرد که امیدوار است در آینده کاردار چنین تماس های اساسی را به یزدی و بازارگان و چمران محدود کند. اگر او بخواهد دیگر مقامات رسمی حکومت فعلی ایران را ببیند باید ابتدا مستقیماً با یزدی مطالبش را مطرح کند.

انتظام گفت که ما در واقعیت هستیم، اکثر رهبران دیگر حکومت فعلی ایران در واقع درک نمی کنند که چه موازنه حساس را ایران باید بین آمریکا و شوروی حفظ کند. آن ها ممکن است آنچه را که در ملاقات می گذرد بیشتر از خود جلوه دهند و مردم را از آن مطلع کنند. کاردار به طور موعوبانه ای اعتراض کرد. او اشاره کرد که سفارت معتقد است که باید تماس بیشتری با ایرانیان خصوصاً رهبران اسلامی داشته باشد. امیرانتظام موافق بود ولی پیشنهاد کرد کاردار چنین مطالب مهمی را در این جلسات مطرح نکند. اگر شما چنین عمیق وارد مسائل شوید نتیجتاً همه چیز نابود خواهد شد. (به نظر می رسد انتظام کلیه رهبران کنونی را به جز احتمالاً چمران در لیستی می بیند که باید توسط یزدی چک شود.)

به نظر ما هرگونه تفسیر در مورد این مسئله به کلی زائد است و یکبار دیگر ثابت می شود که با برکنار شدن دولت لیبرال ها و جاده صاف کن های بازگشت وابستگی به آمریکا چه خطر بزرگی برای سرنوشت انقلاب میهن ما، فعلاً از ما دور شده است.

۶- سازماندهی ضد انقلاب

ششمین شیوه عمل "آمریکا" برای تدارک براندازی نظام جمهوری اسلامی، تجهیز و سازماندهی هم جانبیه ضدانقلاب در درون و در خارج ایران است. عناصر عمده تشکیل دهنده نیروهای ضدانقلاب در درون کشور عبارتند از سرسپردگان به رژیم وابسته آریامهری، ساواکی ها، گروه های بی پاکساری دشگان و باقیمانندگان افسران سرسپرده در نیروهای مسلح و اکثر وابستگان به بزرگان مالکان وکلان سرمایه داران و دزدان فراری، گروه ها و احزاب فاسد اجتماعی مانند اوپاش و باج بگیران و قاچاقچیان حرفه ای، سازماندهان فحشاء و بخش کنندگان مواد مخدر، یعنی همان ها که در ۲۸ مرداد زیر فرماندهی شعبان بی مخ وارد میدان شدند. به این ها می پیوندند گروهک

در جلسه دادگاه عباس امیرانتظام گفته شد:

با بزرگ کردن کمونیسم می خواهند شرایط پیش از کودتای ۲۸ مرداد را درست کنند

جلسه محاکمه عباس امیرانتظام، سخنگوی دولت موقت، به اتهام جاسوسی برای آمریکا، روز ۲۱ اردیبهشت ۶۰ به ریاست حجت الاسلام محمدی گیلانی تشکیل شد. در این جلسه حجت الاسلام محمد منتظری به عنوان شاکی سخن گفت و از جمله تاکید کرد که:

«این دادگاه صحنه نبرد اسلام با آمریکاست. اگر قاطعیت را کنار بگذاریم، آمریکا و صهیونیسم و متعاقباً به آنها فرزندان انقلاب اسلامی و راه امام را از بین خواهند برد و انقلاب به سمت چیزی شبیه راه سادات کشیده خواهد شد.»

در ابتدای این جلسه حجت الاسلام گیلانی، حاکم شرع، به نامه ۱۵ تن از اعضاء دولت موقت اشاره کرد که در آن خود را با امیرانتظام در مورد انحلال مجلس خبرگان شریک معرفی کرده بودند. سپس حجت الاسلام محمد منتظری، نماینده مجلس شورای اسلامی، به عنوان شاکی مطالب مهمی را بیان کرد. وی با اشاره به دفاعیات امیرانتظام از جمله گفت:

«طوری با مسائل برخورد می شود که گویا هیچ چیزی اتفاق نیفتاده و اگر مردم و امام مسائل را تعقیب نکنند و مسائل خوب شکافته نشود، یکسال دیگر باید شاهد محاکمه برادران و خواهران دانشجوی مسلمان پیرو خط امام باشیم.»

حجت الاسلام منتظری سپس با اشاره به اسناد متعددی که در مورد فعالیت های امیرانتظام وجود دارد و آخرین آنها در افشاکری شماره ۱۰ دانشجویان مسلمان پیرو خط امام به چاپ رسیده است، از جمله گفت:

«در گزارش دادن، ایشان در راستا بوده است. ولی آدمهایی مانند مهندس توسلی شهردار سابق، میناچی و یکسری از این افراد هم بودند که گزارشهایی رد می کردند.»

وی با اشاره به سخنان امیرانتظام گفت:

«او کسی است که آرزو داشت به استکلام برود، تا اطلاعات بیشتر و تماسهای بیشتری با آمریکا داشته باشد. او به آنجا رفت، تا آسوده تر بتواند کار کند.»

حجت الاسلام منتظری افزود: باید دید نقش عناصری مثل بختیار، امیرانتظام، مثل مجموعه جاسوسانی که در درون گروه های مختلف انقلاب ایران بودند، چه بوده است. نه تنها در داخل صحنه های مبارزه سیاسی، بلکه حیثاً کنار بعضی از مراجع تقلید نیز جاسوسانی می فرستادند.»

وی با تاکید به صریحیات مکرر امام خمینی در مورد نقش آمریکا گفت: «از اولی که انقلاب شروع شد، تا پیروزی آن، مسئله آمریکا همواره مطرح بوده است.»

حجت الاسلام منتظری افزود: «یکسری گروههایی هستند که موقعت اجتماعی و مردمی ندارند و با توجه به اینکه حساسیت ضد کمونیستی هم بیش از اندازه به آنها می دهند، آنها را به دامن آمریکا می اندازند.»

حجت الاسلام منتظری گفت: «گروم» هایی مثل نهضت آزادی و جبهه ملی و با مطالب اینطور نیست که همه شان جاسوس آمریکا باشند. اکثریت اینها دیدشان این است که ما نمی توانیم روی پای خودمان بایستیم و باید متکی به یک دولت بزرگ باشیم و دوست باشیم با آنها و نتیجه می گیرند انگلیس ضعیف است، روسیه ملحد و کمونیست است، بنابراین آمریکا، اینها من هم از آقای بازرگان شنیدم، هم از آقای سنجابی شنیدم، هم از آقای فروهر و بقالی شنیدم و از این تپها. و هم از آقای شریعتمداری، اینها یک مجموعه ای بودند که این فکر را داشتند.»

وی سپس مطالبی را در مورد فعالیت های امیرانتظام از متن افشاکری شماره ۱۰ دانشجویان پیرو خط امام قرائت کرد و از جمله گفت:

«بعد ضد آمریکائی ما یکی از افتخارات ما است.»

حجت الاسلام منتظری سپس به فعالیتها و تبلیغات این قبیل افراد اشاره کرد و گفت: «وقتی یکسری مسائلی اتفاق می افتد که افتخار انقلاب اسلامی است (میخواهند) بچسبانند به حزب توده (ایران) و کمونیستها، که به آنجا که خراب کردند توده ایها بودند، در دانشگاه توده ایها بودند، در تبریز کمونیستها بودند و ... بعد هم افرادیون مذهبی، خمینی و افرادیون مذهبی، این مسائل را کنار هم مطرح بکنند و نتیجه این میشود که سولیوان خیلی از کشتارهایی را که کرده، براساس همین گزارشات صورت داد.»

وی با اشاره به فعالیت نهضت آزادی در قبل از انقلاب گفت: «در نشریات نهضت آزادی در خارج از کشور حسن تریه و عبدالکریم لاهیجی و یکسری عناصر بزرگ می شدند... حالاً.»

● وقتی مسائلی اتفاق می افتد که افتخار انقلاب اسلامی است، سعی میکنند آن را به کمونیستها و حزب توده (ایران) بچسبانند.

● حجت الاسلام محمد منتظری خواستار احضار چند تن از اعضای دولت موقت، به اتهام رابطه با آمریکا، به دادگاه شد

● مهندس بازرگان می خواست به تیسار مقدم رئیس ساواک شغل جاسوس ضد روس بدهد

ببیند که آقای لاهیجی و حسن تریه چه کار کردند. آقای بازرگان و آقای میناچی و لاهیجی و متین دقتی و مسعودی - که الان مشاور قضایی در دفتر آقای بنی صدر است - مجموعه ای از اینها می خواستند بالا بیاورند و در کنار سنجابی و بختیار، آقای شریعتمداری هم در قم، که الان پسرشان در رابطه با بختیار و بنی احمد مشغول کار هستند، اینها با هم هماهنگ بودند. بنابراین این شما می بینید که ناصر میناچی مرتب رابط با سفارت آمریکا، نهضت آزادی و آقای شریعتمداری بوده.

حجت الاسلام منتظری همچنین با اشاره به گزارشهای امیرانتظام، میناچی و این قبیل آدمها و محمد توسلی گفت:

«من از محضر دادگاه می خواهم که اینها هم احضار بشوند، و چون در لانه جاسوسی مذاکرایی داشتند و قرار مخفی می گذاشتند، بازجویی پس بدهند.»

وی با اشاره به اینکه در زمان دولت موقت «محمد توسلی در رابطه با اکثری بزرگی» می خواستند سباهی تحت نظر دولت وجود آورند و کمیته ها را منحل کنند، گفت: «آنها تاکید داشتند در ارتش هم صفیه نشود.»

وی همچنین به جاسوسان و «خبرچهارپایان» که در دادگاه امیرانتظام حضور گرفت، اشاره کرد و گفت:

«می خواستند رهبران ارتش، افرادی مانند محقق، تیسار مدنی، تیسار باقری، فرید و مجموعه اینها بشوند. حتی تیسار مقدم را، که یکی از عناصر عالی رتبه سیا در ایران بود و بعد از نصیری، رئیس ساواک شد، کوشش کردند آزاد کنند و بازرگان می خواست به او در اداره هشتم شغل جاسوس ضد روسی بدهد.»

حجت الاسلام منتظری سپس با اشاره به تبلیغ «خطر کمونیسم» از جانب این قبیل افراد، گفت:

«هی حزب توده (ایران) را بزرگ می کنند و کمونیسم را در کشور بزرگ می کنند، شما اینرا توجه داشته باشید که زمینه شرایط پیش از کودتای ۲۸ مرداد را می خواهند درست کنند. در آن موقع هم حزب کمونیسم و حزب توده (ایران) را بزرگ می کردند که مردم را فریب بدهند که خوب آمریکا بیاید، همکاری بکنیم جلوی کمونیسم را بگیریم. اینها یک مجموعه زمین فکری داشتند و در این سیر هم کار می کردند و هنوز هم کمابیش در روزنامه های آنها، حالا چه میزان، چه انقلاب اسلامی و این سری جراید، کوشش می کنند که کمونیسم و حزب توده (ایران) را بیش از اندازه بزرگ کنند، که ما آمریکا را فراموش بکنیم. ولی آمریکا بدانند، جاسوسان می کردند و هنوز هم کمابیش در روزنامه های آمریکا فراموش نمی شود و ما آمریکا را شیطان بزرگ می دانیم. مردم ما همانطور که انقلاب را تا کنون حفظ کردند، باز هم حفظ خواهند کرد.»

وی سپس با اشاره به اینکه در زمان امیرانتظام و دولت موقت در راه برقراری روابط صمیمانه با جنبش فلسطین و لیبی کارشکنی های زیادی صورت می گرفت، گفت: «آمریکا، سیا و اسرائیل از یادها می رفت و اینطور گفته می شد که فلسطینی ها و لیبی می خواهند خرابکاری کنند.»

حجت الاسلام منتظری، با اشاره به مسئله «مقام دومی صفیه» گفت: «صهیونیسم و سیا آمدند امام موسی صدر را از صحنه سیاست بیروت و منطقه خارج کردند، که لیبی را بزنند.»

وی همچنین گفت: «کارهایی که می بینید که او آدم فریب خورده و ساده ای نیست و مجموعه این کارها را می دهد که چه کارهایی جاسوس سیا و صهیونیسم می توانست انجام دهد، که او انجام نداده است. منتی انقلاب اسلامی آنقدر قوی بوده که توانسته است خودش را از این خطر نجات بدهد.»

حجت الاسلام منتظری همچنین گفت: «امیرانتظام تنها نیست، آنهایی که اینهمه از او دفاع می کنند، می بینند که پرونده های خودشان رو آمده است و دارد رو می آید و اینقدر می خواهند او را آزاد کنند... وقتی می خواستند به مقدم شغل بدهند... خوب طبیعی است که اصلاً نمی خواهند عباس امیرانتظام محاکمه بشود. اما انقلاب اسلامی که توده های مردم بهره بری امام امت به پیروزی رسیدند، مسئله آمریکا پراشان مطرح است، مسئله جنگ با آمریکا باید با آمریکا کرد، مقدم است، مسئله جنگ با آمریکا رفتار کرد، مطرح است و عناصری که اجازه دادند آمریکا اینجا جنایت بکند، باید با قاطعیت با آنها رفتار کرد.»

حجت الاسلام منتظری با رد دیگر تاکید کرد که دین صحنه دادگاه، یکی از صحنه های جنگ ایران و آمریکا است، جنگ انقلاب اسلامی و توده های میلیونی با سولیوانها، ناسها، استیبل ها... که استادان امیرانتظام بودند.»

وی گفت: «باید بدانیم که آمریکا یا ما شوخی ندارد و ما هم یا آمریکاشوخی نداریم.»

حجت الاسلام محمد منتظری در پایان سخنان خود همچنین از ملاقات بازرگان، یزدی و چمران با پرژینسکی سخن گفت. جلسه دادگاه امیرانتظام در ساعت ۱۲ و ۳۰ دقیقه به پایان رسید و ادامه آن به امروز موکول شد.

در حاشیه

حجت الاسلام منتظری طی سخنان خود در مورد امیرانتظام، از جمله به جاسوسی اشاره کرد که از طرف ماویه برای جاسوسی نزد حضرت علی رفت و به علت همراه داشتن کاغذی، که جاسوس بودن او را نشان می داد، حضرت علی دستور داد گرفتن این جاسوس را قطع کنند. وی سپس پرسید: «آیا اینها سند و مدرک باندازه یکی از بسطن کاغذها نیست؟»

به مشکلات جنگ زدگان در اردوگاههای بندر انزلی رسیدگی کنید!

بیکاری، کمبود پوشاک و نداشتن آب لوله کشی از مشکلات جنگ زدگان ساکن اردوگاههای اطراف بندر انزلی است. شهرستان ساحلی بندر انزلی، از آغاز جنگ تحمیلی، پذیرای دو هزار هموطن جنگ زده شده است. این هموطنان در چهار اردوگاه بنامهای: اردوگاه غرب، هلال احمر، استراحتگاه کارگران و اگلیایکان اسکان داده شده اند. اردوگاه غرب، که یکی از این اردوگاههاست، ۹۰ پلاژ دارد که چهل و نه تائی آن چوبی و بقیه سیمانی است. از این پلاژها در زمان رژیم طاغوت به عنوان استراحتگاه تابستانی استفاده میشد. اندازه این پلاژها بطور متوسط ۴ × ۳ و ۵ × ۴ است. یکی از عمده ترین مشکلات جنگ زدگان این اردوگاهها بیکاری است. این جنگ زدگان تاکید دارند که بیکاری به شدت آنها را رنج می دهد و زندگی بدون درآمد برایشان غیر قابل تحمل شده است.

به بهداشت این اردوگاهها باید توجه بیشتری بشود. زباله ها در نزدیکی پلاژها قرار دارد و با توجه به نزدیک شدن فصل گرما و شیوع بیماریهای واگیردار، توجه به این مسئله اهمیت بیشتری می یابد. آب ساکنین این اردوگاهها از چاه آبی که با پمپ به دوز منبع بزرگ فرستاده میشود، تامین میگردد. به تازگی از سوی بهداشت محیط زیست جهت ضد عفونی کردن آب این اردوگاه

اقدام شده است. حمام این اردوگاه بصورت عمومی است. دیستان این اردوگاه در یکی از ساختمانهای سیمانی قرار دارد. این دیستان دارای سه کلاس ابتدایی است، که ۶۰ دانش آموز را در خود جا داده است. دانش آموزان از سال سوم به بالا به مدارس خارج از اردوگاه میروند، که با گذاشتن سرویس، رفت و آمد آنها تسهیل شده است. یکی دیگر از ساختمانهای سیمانی این اردوگاه به درمانگاه اهالی تبدیل شده است. یک پزشک، دو بهیار و چهار راننده آمبولانس کادر این درمانگاه را تشکیل میدهند. لازم به توضیح است که این درمانگاه برای تامین نیاز درمانی هر چهار اردوگاه دایر شده است. متأسفانه کارکنان این اردوگاه مدتی است که حقوق دریافت نکردند. مسئولین سازمان ارشاد به آنان گفته اند که حقوقشان را باید هلال احمر بپردازد، که این موضوع باعث سردرگمی کارکنان اردوگاه شده است.

غذای ساکنین این اردوگاه بصورت مواد خام به آنان داده میشود. همچنین برای تغذیه کودکان شیرخوار جنگ زدگان این اردوگاه کارتهایی صادر شده است که در فواصل زمان تعیین شده، یا ارائه این کارتها، شیرخشک تحویل داده میشود. ما توجه مقامات مسئول را به مشکلات این اردوگاهها و همچنین عدم پرداخت حقوق کارکنان آن جلب می کنیم.



بازی بی باکانه

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی، شرکت کنیم!

واداران حزب دمکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم): هر گونه تشنج در شرایط کنونی به نفع آمریکا و به زیان حل مسأله آمیز مسئله کردستان است

واداران حزب دمکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم) با صدور اعلامیه‌ای به تاریخ ۲۵ فروردین ۶۰، خطاب به مردم سقز تاکید کردند که از آنجا که ضدانقلابیون منطقه مرگ خود را در حل مسأله آمیز مسئله کردستان می‌بینند، تمامی سعی خود را در جهت برهم زدن اوضاع یکبار می‌گیرند.

در این اطلاعیه آمده است: «هر روز که میگذرد، حملات نظامی-سیاسی نیروهای ضدانقلاب و وابسته به امپریالیسم جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران ابعاد گسترده‌تری مییابد. چنانچه مشاهده میشود، دشمنان انقلاب فقط به محاصره اقتصادی، توطئه کودتا (نوزده طیس)، ایجاد تشنج و درگیری اکتفا کرده و عملاً به جنگ تجارزگرانه‌ای وسیله بمب صدامی علیه انقلاب ما مبادرت ورزیده‌اند.

اما اتحاد مبارزاتی خلقهای ایران تحت رهبری داهیانه امام خمینی و پشتیبانی نیروها و جنبشهای ضدامپریالیستی و دوست انقلاب ایران باعث عقیم ماندن توطئه‌های شوم دشمنان انقلاب اسلامی ایران گشته است.

اخیراً دشمنان انقلاب جهت اجرای نقشه‌های شوم خود برای مسخ نمودن انقلاب اسلامی ایران و منحرف کردن افکار عمومی مردم از جنبه‌های جنگ غرب و جنوب، دست به ایجاد تشنج و درگیری در مناطق مختلف کشور زده‌اند. کردستان، این حلقه ضعیف انقلاب، هم‌چون گذشته یکی از مناطقی است که از طرف ضدانقلاب جهت اجرای نقشه‌های شومشان انتخاب گردیده است.

در چند روز گذشته ما شاهد بروز تشنجات و تحریکاتی در سطح شهر و مدارس بوده‌ایم که توسط ضدانقلابیون، با تحریک و فریب دادن دانش‌آموزان به بهانه‌های مختلف، ولی در واقع جهت به تعطیل

کشاندن مدارس و بهم‌زدن جو سالم و مسالمت‌آمیز فعلی و ایجاد ناراحتی بین مردم، دست‌به‌تحریکاتی زده‌اند و این تحریکات و تشنجات درست هم‌زمان با اعزام آیت‌الله اشراقی به آذربایجان غربی از سوی امام و مطرح‌شدن مجدد حل اصولی و مسالمت‌آمیز مسئله کردستان و پیامهای مکرر امام خمینی مبنی بر اعلام عفو عمومی، که همگی حاکی از درک ضرورت حل مسالمت‌آمیز مسئله کردستان از طرف مسئولین مملکتی است، صورت می‌گیرد.

ضدانقلابیون و گروهکهای وابسته، که مرگ محتوم خود را در حل مسئله کردستان و از بین رفتن وضع متشنج فعلی می‌بینند، تمامی سعی خود را جهت بهم‌زدن اوضاع و ایجاد تشنج و اغتشاش بکار می‌گیرند، تا بدین‌صورت از حل اصولی و اسان‌دوستانه مسئله کردستان جلوگیری نموده و چندصباحی دیگر نیز به زندگی ننگین خود ادامه دهند.

اما غافل از آنند که مردم کردستان آگاهی از آنند، (که بار دیگر فریب نیرنگهای مردم‌فریب و بظاهر دوستانه این عناصر و گروههای شناخته‌شده را بخورند.

ما بعنوان واداران حزب دمکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم) به تمامی همشهریان هشدار میدهیم که با آگاهی انقلابی و تجربه‌ای که از کار این گروهها در تمام مدت حضورشان در کردستان دارند، جلو هرگونه تشنج و درگیری و تظاهرات راه، که در این لحظه مشخص تنها و تنها به نفع آمریکا و بمب صدامی و به زیان حل مسالمت‌آمیز مسئله کردستان و تحکیم پایه‌های حکومت جمهوری اسلامی در این بخش از سرزمین انقلابیمان است، گرفته و اجازه ندهند که بار دیگر این گروهکهای وابسته جنگ، ویرانی آتش و خون را بر ما تحمیل نمایند.



آمریکا هندوراس را به تجاوز علیه نیکاراگوئه تشویق میکند

دانیل اورتگا، هماهنگ‌ساز شورای دولتی نیکاراگوئه بسیار دیگر دسیسه‌های دولت ایالات متحده آمریکا را علیه کشور خود محکوم کرد.

وی، در مصاحبه‌ای در واشینگتن تایمز، یادآور شد که «سیاست خصومت‌آمیز» واشینگتن «در قبال نیکاراگوئه، مشوق باندهای ضدانقلابی در هندوراس و نظامیان ارتجاعی این کشور در اقدامات تجاوزکارانه علیه انقلاب نیکاراگوئه است».

فدراسیون سندیکایی جهانی ترور رژیم نظامی کره جنوبی را محکوم می‌کند

«فدراسیون سندیکایی جهانی» ترور و اختناق را در کره جنوبی محکوم کرد.

این فدراسیون، در بیانیه‌ای، اظهار داشته است که رژیم نظامی کره جنوبی از مقابله با رستاخیز «گوانگجو» تاکنون، سرکوبگری‌خویش را بشدت افزوده است. بگفته «فدراسیون سندیکایی جهانی»، بیش از ۲۲۰۰ نفر تا بحال قربانی این رژیم شده‌اند. بیانیه «فدراسیون» سندیکاهای سراسر جهان را فرامی‌خواند تا «از مبارزه مردم کره جنوبی برای دموکراسی، خروج نیروهای آمریکایی و وحدت مسالمت‌جویانه کره پشتیبانی کنند».

فرانسیس یوز، یکی دیگر از زندانیان ایرلند شمالی، پینایی و شنوایی خود را از دست داد

چهار مبارز ایرلندی به اعتصاب غذای خود در زندان «میز» در نزدیکی بلفاست، ادامه میدهند. آنها خواهان آنند که دولت بریتانیا آنها را بعنوان زندانی سیاسی برسمیت پشناسد. یکی از این چهار زندانی سیاسی، پنام فرانسیس یوز، بگفته مادرش، پینایی و شنوایی خود را از دست داده است. یادآور می‌شویم، که چند روز پیش، بابی سنذر، نماینده پارلمان بریتانیا، نیز پس از شصت و شش روز اعتصاب غذا، در این زندان جان سپرد. گردهمایی مبارزان ایرلندی در بلفاست، از مردم ایرلند شمالی خواسته است که به پشتیبانی از چهار زندانی نامبرده، به تظاهرات و میتینگهای مسالمت‌آمیز بپردازند.

سیاست آمریکا افزایش تشنج بین‌المللی و تسریع مسابقه تسلیحاتی است

خبرگزاری «تاس» در تفسیری درباره اجلاس اخیر «شورای ناتو» نوشته است: «تصمیمات اجلاس اخیر «شورای ناتو» سیاست دولت آمریکا را مبنی بر افزایش تشنج بین‌المللی و تسریع مسابقه تسلیحاتی باز می‌تابد». در بیانیه «تاس» آمده است: ««ناتو» قصد دارد که تعادل تقریبی موشک‌های میان‌برده‌های را در اروپا برهم زند. استقرار در حدود ۶۰۰ موشک جدید آمریکایی، به «ناتو» برتری بیش از پنجاه درصد خواهد داد.» «تاس» می‌افزاید:

«ایالات متحده در حالی آمادگی خود را برای مذاکره با اتحاد شوروی اعلام میدارد، که عملاً در راه به توفیق انداختن از سرگیری مذاکرات کوشش می‌ورزد. (ایالات متحده آمریکا)، از سوی دیگر، برای بهره‌برداری از گذشت زمان و استقرار موشکهای جدید به بهانه‌جویی دست می‌زند.» «تاس» در پایان تفسیر خود یادآور می‌شود: «منافع حیاتی خلقها ایجاب می‌کند که در قبال مذاکرات آینده موضعی عقلاهی و واقع‌بینانه، برپایه برابری حقوق طرفین اتخاذ و از کوشش برای برهم زدن تعادل فعلی نیروها خودداری گردد.»

پیروزی فرانسو امیتران در انتخابات ریاست جمهوری فرانسه

دور دوم انتخابات ریاست جمهوری فرانسه، که در روز ۲۰ اردیبهشت ۶۰ برگزار شد، با پیروزی فرانسوا میتران، رهبر «حزب سوسیالیست فرانسه»، پایان یافت. وی بیست و یکمین رئیس‌جمهور فرانسه خواهد بود.

بگزارش وزارت کشور فرانسه، فرانسوا میتران نزدیک به ۵۲ درصد آراء را بدست آورده است. برای والرئیه ژیرس، رئیس‌جمهور کنونی فرانسه، ۴۸ درصد آراء به صندوق ریخته شد. ژرژ مارش، دبیر کل «حزب کمونیست فرانسه» که در دور نخست انتخابات ۱۵ درصد آراء را بدست آورده، نزدیک به ۵ میلیون نفری را که در آن دور به او رای داده بودند، فراخوانده بود، تا در دور دوم از فرانسوا میتران پشتیبانی کنند.

ژرژ مارش انتخاب فرانسوا میتران را به‌او شادباش گفت. نتایج نهایی انتخابات ۲۰ اردیبهشت هنوز از سوی «شورای قانون اساسی» انتشار نیافته است، ولی این جریان تفسیری در انتخاب فرانسوا میتران نخواهد داد.

فرانسوا میتران، پس از آگاهی از نتایج انتخابات گفت که پیروزی او «پیروزی نیروهای هوادار نوسازی است، که برای دستیابی به کار، صلح و آزادی متحد شده‌اند».

میتران افزود که این واقعت رهنمون سیاست او خواهد بود.

ارگانهای «ناتو» برای اجرای نقشه‌های تجاوزکارانه «گردهمایی رم» دست بکار می‌شوند

روز ۲۱ اردیبهشت ۶۰ یک رشته کنفرانس‌های «ناتو» در بروکسل آغاز شد. برای نمونه، پس از جلسه «گروه اروپا» گردهمایی از وزیران دفاع و روسای ستاد همه کشورهای عضو «ناتو» برگزار گشت.

در این نشست‌ها، تصمیمات «شورای ناتو» که چند روز پیش در رم صورت پذیرفت، بررسی خواهد شد. «شورای ناتو» در «گردهمایی رم» برائس اعمال فشار آمریکا، تصمیم خود را مبنی بر استقرار ۶۰۰ موشک هسته‌ای جدید میان‌برد در اروپای غربی تایید کرد.

تهدیدات جنگجویانه نخست‌وزیر اسرائیل علیه لبنان

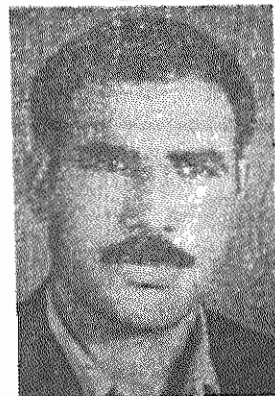
مناحیم بگین، نخست‌وزیر اسرائیل، بار دیگر لبنان را با حملات هوایی گسترده اسرائیل علیه این کشور تهدید کرده است.

مناحیم بگین، ایمن سخنان جنگجویانه را در کنفرانس مطبوعاتی در تل‌آویو، در آستانه ورود فیلیپ حبیب، فرستاده ویژه ریگان، به زیان آورد.

فیلیپ حبیب، پیش از این، در دمشق با حافظ اسد، رئیس‌جمهور سوریه، ملاقات کرده بود. کابینه سوریه در همان‌روز نقشه مقابله با حمله احتمالی اسرائیل را به لبنان بتصویب رساند.

از سوی دیگر، نخست‌وزیر سوریه تاکید کرده است که سوریه خود را مسئول دفاع از لبنان و فلسطینی‌ها در برابر حملات اسرائیل می‌شمرد.

یادرفیق حاجی فرمان شکوری گرامی باد!



با کمال تأسف اطلاع یافتیم که رفیق حاجی فرمان شکوری گنزق، بر اثر بیماری سرطان، در ۱۹ فروردین سال ۶۰ درگذشت. رفیق حاجی فرمان شکوری گنزق، در سال ۱۳۰۳ چشم‌په جهان گشود. او ابتدا در تشکیلات حزب در آذربایجان و سپس در تهران تا سال ۱۳۳۲ فعالیت داشت. با اینکه در این سال ارتباط او با حزب قطع شد، اما وی به حزب و آرمانش وفادار ماند. بعد از انقلاب بزرگ ایران قصد داشت که مجدداً در حزب ثبت‌نام کند، که به بیماری سرطان علاج‌ناپذیر دچار گشت و متأسفانه سرانجام در روز ۱۹ فروردین ۶۰ چشم از جهان فرو بست. خاطره و یادش گرامی باد.

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

واداران حزب توده ایران در دوی (امارات متحده عربی) ۲۰۰۰۰۰ ریال سازمان حزب توده ایران در بوشر ۶۰۰۰۰ ریال عزیزالله، م از باغ قلبک ۲۰۰۰ ریال بنا به وصیت مادر رفیق عارف ۹ عدد بون، یک‌هزار ریالی شرکت تعاونی

دوست عزیز ساکن بلوار کشاورز: کمکی که در نامه خود بدان اشاره کرده‌اید، متأسفانه به حساب بانکی ما ریخته نشده است. لطفاً خودتان به بانک مراجعه کنید و نتیجه را به ما اطلاع دهید. متشکریم

تصحیح

در شماره ۵۰۵ «نامه مردم» (چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۰) در مقاله «نمایش ناهنجار» یک اشتباه چاپی روی داده است که بدین‌وسیله تصحیح می‌شود: صفحه اول، ستون پنجم، سطر ۷ صحیح عبارت چنین است: «نویسنده سوئدی «آروید روندرگ» به این مناسبت مقاله‌ای نوشته...»

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸

(دفتر «نامه مردم» هنوز در اختیار «نامه مردم» نیست) چاپ: کاویان

NAMEH MARDOM
No. 510
12 May 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی «نامه مردم» و همه مقامات دولتی و غیردولتی میتوانند به آدرس زیر با «نامه مردم» مکاتبه کنند: صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱ ۱۴ پستی تهران

باتشکیل شورای تفاهم ملی، جبهه متحد خلق را پی بریزیم